

“سچیلمیش اثرلر”

دیوان نظامی گنجوی



حسین فیض الہی وحید "حسین اولدوز"

بے کوشش:

۳

آذربایجان گلاسیک اولدوزلاری :

دیوان نظامی گنجوی

“سئچیلمیش اثرلر”

بکوشش :

حسین فیض الیهی وحید (حسین اولدوز)

حمید احمدزاده (حمید تئلیم خانلی)



موسسه انتشارات باران

خیابان امین - تلفن ۶۷۹۲۵



تلفن ۶۷۹۲۵

نام کتاب : دیوان نظامی گنجوی
به اهتمام : حسین فیضالهی وحید (حسین اولدوز) و
حمید احمدزاده (احمد تعلیم خانلی)

نوبت چاپ : چاپ اول
تاریخ چاپ : بهار ۷۰
تیراز : ۴۰۰۰ جلد

حروفچینی : سازمان چاپ هادی، تبریز
حق چاپ محفوظ است

یو خومدور طاقت هجران، یو خومدور
یو خومدور، ای مسلمانان، یو خومدور
هائی اول صبرکی یار سیز قالیم من
دگیل سیز دن بوكی پنهان، یو خومدور
یارین عشقینده غم دنها قدر دیر
اونا دنیاده بیرون درمان یو خومدور
اگر عاشق اولان کافرسه بیل کی
منیمده ذره جه ایمان یو خومدور
نظمی گنجوی



تصویری از نظامی در موزه نظامی در شهر باکو

استادگنجه جریان ملاقات خود با قیزیل ارسلان پادشاه
آذربایجان را بدین نحو بیان می‌کند که روزی قاصدی از راه می‌رسد و
نامه‌ایی از طرف قیزیل ارسلان با مهر قیزیل شاهی به دست او می‌دهد
و می‌گوید که پادشاه قصد زیارت او را دارد. نظامی آماده سفر شده
به خدمت قیزیل ارسلان می‌رود.

قیزیل ارسلان در حالیکه مشغول باده‌گساري بود و رقصان
می‌رقصیدند و نوازندگان غزل‌های نظامی را می‌خواندند با شنیدن خبر
ورود نظامی "شکوه زهد" او را نگهداشت، امر می‌کند می‌از مجلس
برگیرند و ...

حکیم نظامی گنجوی (مقدمه فارسی)

نظامی یکی از بزرگترین شعرای قرن ششم هجری و بقول مرحوم تربیت «شعر شعرای ایران و افصح فصحای آذربایجان» است که با اثر فنا ناپذیر خود بنام خمسه یا پنج گنج تحولی عظیم در ادبیات ملل همچوار از هندوستان تا ترکیه بوجود آورده است.

نظامی در سال ۵۳۵ در شهر گنجه (گنچای) دیده به جهان گشود و تا آخر عمر در همان شهر زندگی کرد تا دار فانی را وداع گفت.
نظامی، شاعری زحمتکش بود و از دسترنج خود امرار معاش می‌کرد. او قطعه زمینی داشت که بر روی آن برزگری می‌کرد و وقتی از کارهای مزرعه خسته و کوفته شب به خانه بر می‌گشت تانیمه‌های شب به سرودن اشعار نغز و پرمفرز می‌پرداخت.

استاد گنجه در عمر خود داغ سه همسر دیده و هرسنهنفر را گویا از جان و دل دوست می‌داشته است. نخستین همسر او کمیزی ترک از اهالی قبچاق بود که پادشاه در بند به او هدیه کرده بود.

استاد گنجه از نظر زندگی خصوصی مرد زاهد پیشه و با تقوی بود که حتی آزارش به یک مورچه نیز نمی‌رسید:

تامن منم از طریق زوری نازده ز من جناح موری
اوحد و دچهل چله و هزار خلوت رادر طریق عرفانی پشت سرگذاشتند با نان
جوینی سد جوع می‌کرد:

منم روی از جهان درگوشیده گرده
 چهل چله گشت و خلوت هزار
 کف نان جوینی توشه گرده
 بیزم آمدن دور باشد ز گار

نظامی بخاطر همین زهد پیشگی و ریاضت کشی و عزت نفسی که داشت در
 زمانیکه شعرا مختلف از اقصان نقاط جهان از خراسان و عراق و ماواراء النهر به گدایی
 و کاسه لیسی با هزار مصیبت راه برای ورود به دربار اتابakan آذربایجان می جستند
 تا با مدد آنها درهم و دیناری بگیرند ، پادشاهان وقت رام جبور می کرد که برای
 دیدارش به حضور او ببایند و حتی "شکوه زهد" ، او را نیز نگهدارند و حتی بخاطر این
 می از مجلس و ساقی از محل دور کنند و قضای روحانی برای ورودش آماده نمایند .

چنانچه استاد گجنه جریان ملاقات خود را که به تمنای قیزیل ارسلان پادشاه آذربایجان
 با او صورت گرفته بود بدین نحو بیان می کند که روزی قاصدی از راه می رسد و
 نامه ای از طرف قیزیل ارسلان با مهر قیزیل شاهی بdest او می دهد و می گوید که
 پادشاه قصد زیارت او را دارد و تا گنجه قدم رنجه کرده تونیز به پیشواز سلطان
 باید بروی واورا به یک سفرسی روزه مهیا می کند . نظامی آماده سفر شده و به
 خدمت قیزیل ارسلان می رود . قیزیل ارسلان در حالیکه مشغول پاده گساري بوده
 و رقاصان می رقصیدند و نوازندگان غزلهای نظامی را می خواندند باشندن خبر
 آمدن نظامی "شکوه زهد" او را نگهداشت و امر می کند که می از مجلس برگیرند .
 و همه را مرخص کرده با نظامی به خلوت می نشینند . نظامی برای او نصیحت های
 پدرانه می کند . بهتر است عنان تو سن سخن را به استاد گنجه بسپاریم ، ببینیم
 استاد سخن این واقعه را چگونه به تصویر می کشد :

گهناگه پیکی آمد نامه دردست
 گه سی روزه سفره گن ، زانگه از راه
 بتعجیلم درودی داد و بنشست
 به سی فرنگی آمد موگب شاه

گلید خویش را بگذارو در بند
 همت شخنه است وهم تعویذ راهست
 در آوردم به پشت بارگی پای
 که چشمہ برلب دریا گذرگرد -
 چو شمع افروخت از پروانه خویش
 بیار آن زاهد رو تازه را نیز
 ز دریا داد گوهر رابه غواص
 عطارد را به برج ماه بردند
 به جای گیقبادو تخت جمشید
 نهاده تاج دولت برسر تخت
 رسانیده بزیر زهره آهنگ
 بریشم پوش پیراهن دریده
 برآهنگ دگر بریسته روی
 نوازش متفق در جان نوازی
 زده بر زخمی چنگ نالان
 شهنشه خورد می ، بد خواه سرمست
 فرودش شادی بی بر شادگامی
 نه زان پشی که زاهد در گله داشت
 مدارای مرا بی بر گرفتند
 به سجده مطربان را گرد خرسند
 نظامی را شوم ، نه رود و نه جام
 همه گفتار او یک سر سروdest
 که آب زندگی از خضر یا بسم
 در آی ای طاق و با هر داشتی چفت

ترا خواهد گه بیند روزگی چند
 مثالم داد گین تو قیع شاهست
 بعزم خدمت شه جستم از جای
 درون شد قاصد وشه را خبر گرد
 شه از طرف جواهر خانه خویش
 به شمس الدین محمد گفت برخیز
 برون آمد ز درگه حاجب خاص
 مرا در بزمگاه شاه بردند
 نشسته شاه چون تابنده خورشید
 سر تاج قزل شه از سر تخت
 خروش ارغون و خارش چنگ
 بریشم زن نواها برگشیده
 همی گفتی مغنى هر سروdest
 نواها مختلف در پرده سازی
 غزلهای نظامی را غزالان
 گرفته ساقیانش باده در دست
 چو دادندش خبر گامد نظامی
 شکوه زهد من بر من نگه داشت
 بفرمود از میان می برگرفتند
 بخدمت ساقیان را داشت در بند
 اشارت گرد گین یک روز تا شام
 نوای نظم او خوشت ز روdest
 چو خضر آمد ز باده سر بتا بشم
 پس آنگه حاجب خاص آمد و گفت :

از استاد گنجه پنج گنج بر اینای روزگار به امانت رسیده که هر یک از آن
 مورد تقلید صدها شاعر و سخنور قرار گرفته است . پنج گنج استاد بدین شرح

است.

۱- مخزن الاسرار که محتوی آن در مباحث عرفانی است و آن را به فخرالدین بهرامشاه منکوچک از پادشاهان ارزنجان تقدیم کرده است.

۲- خسرو و شیرین که در سال ۷۵۶ بنام شمس الدین محمد جهان پهلوان به زیور نظم آراسته و به خدمت آن اتابک کشورگشا فرستاده است.

۳- لیلی و مجنون که در سال ۵۸۴ بر حسب خواهش اخستان اول پادشاه شروان به نظم کشیده

۴- هفت پیکر که در سال ۵۷۶ بنام علاء الدین کرب ارسلان از پادشاهان مراغه به زیور نظم مزین کرده و به خدمت او ارسال داشته است.

۵- اسکندرنامه که به سال ۵۹۲ در دو قسمت شرفنامه و اقبالنامه به رشتہ نظم کشیده و به خدمت ملک جهان پهلوان نصرت الدین مسعود پسر اخستان شروانشاه فرستاده است.

از استاد گنجه دیوانی از غزلیات و قصاید نیز باقی است که به ترکی و فارسی است. غزلیات فارسی استاد از طرف استاد سعید نفیسی چاپ شده و غزلیات ترکی هنوز همت صاحب همتان می‌طلبید که یوسفوار بردیار مصر گذر کرده از کتابخانه خدیویه قاهره رونویسی کرده و به دست مشتاقان صاحب ذوق برسانند.

دانشمند محترم علی افندی حلمی داغستانی مسئول کتابخانه خدیویه مصر در فهرست کتابهای فارسی و ترکی که به سال ۱۳۵۶ قمری در چاپخانه عثمانیه مصر القاهره به چاپ رسیده در صفحه ۴۸۹ در ضمن کتابهای «علم الادب الفارسی» از یک مجموعه شش قسمتی بنام‌های: ۱- دیوان نظامی ۲- دیوان هاتفی

۳- دیوان مسعود ۴- دیوان خاتمی ۵- دیوان فتحی ع- دیوانی که نام مولف ندارد . نامبرده و در ذکر دیوان نظامی به صراحت می‌نویسد :

«دیوان نظامی به تالیف المولی نظام الدین ابی محمد جمال الدین یوسف بن موید الگنجوی الاویس متوفی سنه ۵۹۷ اوله : یا اشرف البریه یا سیدالوری، الخ ، به قلم تعلیق به خط پیر احمد بن اسکندر تحریره فی سنه ۹۲۳ و هو بالغه التركیه »

جالب اینجاست که استاد نفیسی ندیده اظهار نظر می‌فرمایند که «مولف این فهرست کتابهای کتابخانه خدیویه چون چندان واقف بزبان فارسی نبوده اشعار نظامی را بزبان ترکی پنداشته و یا اینکه در هنگام تحریر و یا هنگام طبع فهرست مذبور اشتباه و تحریفی دست داده است و این جمله «وهو باللغه التركیه» (وآن به زبان ترکی است) نتیجه شببه است و نباید در اصل موضوع تردیدی پیش آورد ..

در صورتیکه اگر استاد محترم، علی افندي را می‌شناخت چنین اظهار نظر غیر منطقی نمی‌فرمود چه علی افندي کسی است که شاهنامه فردوسی را سطر به سطر به شعر ترکی منظوم ساخته و بنا به گفته اکثر خاورشناسان ترجمه از اصل بهتر است . پس چنین کسی نمی‌تواند در ردیف کسی که «واقف به زبان فارسی نبوده «قرار گیرد ، شق دوم نیز که اشتباه چاپی شده و کلمه هو باللغه التركیه بر آن اضافه شده مطروح و مردود است چه استاد خود معترض است که از ۳۸ نسخه‌ای که مورد مقابله او قرار گرفته هیچ یک با مصرعی : «یا اشرف البریه یا سیدالوری» شروع نشده لهذا استاد با تعجب اعتراف کرده می‌گوید :

«نتجه از اشعار نظامی به جز خمسه وی در ۳۸ مأخذی که پس از این ذکر

آنها خواهد آمد یافته‌ایم و در این کتاب چاپ خواهد شد بیش از ۱۹۸۹ بهت نیست اما چنان می‌نماید که نسخه قاهره باز اشعار دیگری دارد و اگر جمله‌ای که مولف آن فهرست آورده و موید آغاز آن نسخه است یعنی مصرع «با اشرف البریه یا سیدالوری» مطلع قصیده‌ای یا غزلی از نظامی باشد پیداست که در آن نسخه اشعار دیگری هست که در نسخه‌هایی که تاکنون دیده‌ام نیست... . باشد به استاد خاطرنشان کرد که چون این نسخه اشعار ترکی غزلیات استاد گنجه را در بردارد به همین جهت است که با مطلع هیچ یک از غزلیات و قصاید فارسی یکسان نیست به هرجهت تا میکروفیلم یا فتوکپی و زیراکن آن بدست صاحب نظران نرسد جای بحث بیش از این ندارد. نشانی کتاب بدین قرار است : کتابخانه خدیویه مصریه در سرای درب المجامیر در مصر القاهره با ردیف :

ش ا ج ا ن خ ۱۸۶ ن ع ۹۵۴۷

حسن شهرت و آوازه استاد گنجه از همان حیات خود موجب شد که اکثر شعرای ایران، هندوستان، ترکیه، عراق، آذربایجان، ازبکستان، به فکر نظیره‌گویی و یا ترجمه خمسه به زبانهای قومی خود بیفتند. مهمترین این ترجمه‌ها ترجمه‌هایی بود که به زبان ترکی (آذربایجانی، جغتایی، عثمانی) انجام می‌گرفت، نظامی چون خود ترک بود لهذا قبل از همه همشهربیان و همزبانان او به فکر افتادند که پنج گنج را به ملت‌های خود هدیه ببرند لهذا شروع به نظیره‌گویی و ترجمه آثار استاد گنجه کردند.

لیلی و مجنون را شعرای معروف ترک نظیر؛ فضولی، امیرعلی شیرنوایی، مشاهدی، سنان، احمدی، جلیلی (جلیلی)، بهشتی، فایضی، خلیفه، خیالی، نجاتی، صالح، گلشهری به رشته نظم کشیده و نظیره گفتند.

فرهاد و شیرین را شیخی کرمانی و جلیلی (جلی) و آن‌ها ولامعی و امیرعلی

شیرنوایی به ترکی منظوم کرده و یا نظیره گفتند.

هفت پیکر را با نامهای «سبعه سیاره» (امیرعلی شیرنوایی)، «هفت پیکر»،

(لامعی)، «هفت خوان» (عطایی)، «هفت مجلس» (عالی) بترکی ترجمه

منظوم کرده یا نظیره گفتند.

اسکندرنامه را امیرعلی شیرنوایی و احمدی و فنانی ترجمه یا نظیره منظوم

گفتند و احمدی قدیمیترین شاعر ترک است که در سال ۷۹۷ این داستان را

بنام امیرتیمور گورگانی به نظم ترکی درآورد.

در سالهای اخیر نیز ترجمه‌های ترکی آذربایجانی هفت پیکر توسط محمد راحیم و شرفنامه توسط عبدالله شاپق و اقبالنامه توسط رضا قلیزاده، ولیلی و مجنون توسط صمد ورگون شاعر شهیر به شعر روان و سلیس به رشتہ نظم کشیده شد و آرزوی دیرینه استاد که کتابت این منظومه به زبان مادریش بود برآورده شد. دیوانی که در دست داردید ترجمه‌یی از غزلیات و اشعار استاد گنجه است که بزبان ترکی آذربایجانی توسط مترجمین ترجمه شده و گاه‌ها در بعضی از اشعار حق مطلب اداء و بعض‌ها "چندان ادا نشده است ولی به هر حال این نیز غنیمت و فرصتی است در شناخت بیشتر استاد گنجه.

دیوان اصلی استاد که بزبان ترکی است هنوز در کتابخانه خدیویه مصر گویا گرد و خاک می‌خورد و به این زودی نیز چشمان به جمال آن روشن نخواهد شد.

دیوانی که در دست داردید آخرین مراحل فنی چاپ را می‌گذراند که دوست گرامی آقای حمید احمدزاده (تبلیم خانلی) به تبریز تشریف آورده

همین که چشمشان به جمال دیوان روشن گردید افاضه کلام فرمودند که:

— من هم دیوانی از نظامی ترتیب داده‌ام!

گفت:

— کو؟

فوراً "به تهران رفت و برگشت و سه دفتر با خود آورد و گفت:

— بفرمائید

نگاه کردم دیدم بلی زحمت کشیده و دیوانی ترتیب داده غزل‌ها و رباعیاتی در دیوانش است که در دیوان ترتیبی بنده نیست و بعضی‌ها در دیوان من است که

که در دیوانی ترتیبی او ضبط نشده گفت:

— نظرت چیست؟

گفت:

— این چند غزل را بگیر و به کتاب خود اضافه کن و اسم بنده را زیر یا روی اسم مبارکت بنویس!

قبول کردم! چند غزل اضافی نیز بالآخره فرصت و غنیمتی است برای اهل ادب. گردن ما نیز از مو باریکتر است در اینگونه موارد:

می‌گویند در بیابانهای عربستان یک حاجی آبگوشت بارگذاشته بود.

عربی از راه می‌گذشت پرسید:

— حاجی چی بارگذاشتی؟

حاجی جوابداد:

— آبگوشت!

عرب دست دراز کرد و مارمولکی گرفت و در ظرف آبگوشت انداخت و گفت:

- حاجی انا شریک (حاجی منهم شریک) .

ما هم مجبور شدیم به همین دلیل با حاج احمدآقا در ترتیب این کتاب شریک باشیم . خدا آخر و عاقبت ما را به خیر کند ولی اگر کارها به این روال پیش برود در آینده نزدیک احتمالاً "با چند ادیب و ادب باشد یک «شرکت مارمولک» تاسیس کنیم ! آینده را کی دیده ؟ خدمته دو قبضه به ادبیات یعنی همین !

حسین فیض‌الله‌ی وحید

(حسین اولدوز)

حکیم نظامی گنجوی

(آذربایجانی سینده مقدمه)

نظامی ۵۲۵- اینجی ایلده گنجه (گنچا) شهرینده آنادان اولموش و همان پیشده ده وفات اعتمیشدیر. نظامی ایکی بیتیده آنا یوردی گنجیبیه بئله اشاره اعدیه:

نظامی که در گنجه شد شهریند مبادا ز اسلام نا بهره مند

نظامی ز گنجینه بگشای بند گرفتاری گنجه نا چند- چند ؟
نظامی عموونده اوج قادین آلیب و ایلک آروادیندان محمد آدلی
بیر اوغلو اولوب. اونون قادینلارین آدلارین بیلمیریک، آنچاق بونو
بیلمیریک کی بیری قبچاق ترکلریندن ایمیش و تکجه اوغلو محمد بو ازدواجین
شمره لریندن ایمیش.

نظامی گویا قیرخ چله و مین خلوت عرفان ساحه سینده گئچیر میشدیر.
اونون عارفانه- عاقلانه زهد و تقواسی نین حرمتین حتى شاهلاردا
ساختامیشلار نتجه کی قیزیل ارسلان- آذربایجان پادشاهی- اوزمان کی
ائشیدیر حکیم نظامی اونون مجلسیته ایستیر وارد اولسون، دستور وئریز
اونون احترامینا گؤرە چالقیچیلار، نغمه کارلار، رقاصلار مجلسی ترک
اعدیب، شرابی آرادان قالدیرسینلار. ساقی و ساغر مجلسدن گوچور.
نظامی بو صحنه لری بئله وصف اعدیه:

قىزىل شاه تختىنин سايدىسىنده بىل
چوخ شاھلار قويىوشدور باشينا اكلىل
مجلس بىزتىمىشدى بىر بېشت كىمى
شادلىق چولغا مىشدى بوتون عالمى
ارغونو نواسى ، چىنگىن نالەسى
زهەرە منزىلەنە چاتدىرىمىش سىسى
چالغىچى مضرابى تىلە ويرىردى
ايپك كۆينىڭلىلەر كۆينىك جىرىرىدى
هر نغمەنин آيرى پىرىدىسى واردى
هامىسى بىر يئرده جان آلىرلا ردى
چالىب اوخويوردى بىر چوخ گۈزلىرى
دىلەن ئۆامىدىن موزون غزللىرى
ساقىلار ئالىنده مى جامى دولمىش
شاھنشاھ مى اىچمىش ، دشمن مىست اولمۇش
شاھا سۇيلىنىدە: «گلمىش ئۆظامى»
داھادا شاد اولدى بو كئف ايامى
يالانچى زاھد تىك منى توتمادى
حقيىمە حرمتى هەچ اونوتىمىادى
مدارا ائتمىچون منىملە اوگسون
امر ائتدى اورتادان مى گۈئورولىسون
ساقىلرى ائتدى خدمىتىن آزاد
چالانلار چىكىلىدى ، كىسىلىدى بساط
دەدى: آتىب مئىي ، چالغىنى تەيز
بو گون مشغۇل اولاقد ئۆظامىلە بىز
شعرىنinin يانىندا رود سىسى ندىرى
اوئون هىر بىر سۆزى بىر تراپىدىر

حکیم نظامی نین شهرتی عوز حیاتیندا آذربایجان سرحدلرین آشاراق
بخاراداندا گشچمیشدی. اونون غزللرین بسته کارلار، چالقیچیلار شن لیکلرده
او خوپورموشلار، نعجهکی عوزی یازیر:

غزلهای نظامی را غزالان زده بر زخمهای چنگ نالان

حکیم نظامی دن بئش کتاب بیزه پادگار قالیبدیر. اونلار بغله دیر:

۱- مخزن الاسرار: بو کتابی عثمانلى ترک پادشاهی فخرالدین بهرامشاه
منکوچک ارزنجان حکمرانینا هدیه اعتمیشدیر.

۲- خسرو- شیرین: بو کتابی ۷۵۶-۵۸۴ اینجی ایلده، شمس الدین محمد جهان
پهلوان آذربایجان پادشاهی آدینا یازمیشدیر.

۳- لیلی- مجنون: بو کتابی ۵۷۶-۵۹۲ اینجی ایلده اخستان شروانشاه خواهشیله
قلمه آلینمیشدیر.

۴- هفت پیکر: بو کتاب ۵۷۶-۵۹۲ اینجی ایلده علاء الدین کرب ارسلان مراغه
حاکیمی آدینا یازیلمیشدیر.

۵- اسکدرنامه: بو کتاب ۵۹۲-۵۸۴ اینجی ایلده جهان پهلوان نصرت الدین
مسعود اخستانین اوغلو آدینا یازیلمیشدیر.

محتشم استادیمیزدان یوخاریدا آدلاری چکیلن کتابلاردان باشقا بیز
فارسجا و بهر "تورکجه" دیوان دا پادگار قالیبدیر. استادین فارس دیلیندە
اولان دیوانی سعید نفیسی حضرتلى طرفیندن تهران دا چاپ اولوب آما
ترکی دیوانی هله بو گونه قدر چاپ اولماییب و قاهره خدیویه کتب

خانه‌سینده بو نعره آلتیندا ساخلانیلیر:

ش ا ج ا ن خ ۱۸۶ ا ن ع ۹۵۴۷

حکیم نظامی‌نین کتابلاری، چوخ شاعرلر طرفیندن قارشیلانیب و اوئلار
نظیره‌لر پازیلیپیدیر. مثلاً "لیلی" و مجنون کتابه‌نا بؤیوک ترک شاعرلاری:
فضولی، امیرعلی شیرنوایی، شادی، سنان، احمدی، جلیلی (جلی) بېھشتى،
فایضى، خلیفه، خیالى، نجاتى، صالح، گلشەرى طرفیندن نظیره‌لر
پازیپلار.

استادین فرهاد و شیرین اثرینه بو شاعرلر نظیره‌لر پازیپلار:
شیخى، کرمانى، جلیلی، آھى، لامعى، امیرعلی شیرنوایی.
حکیمین «هفت پیکر» آدلی کتابه‌نا، «سبعمىساره» آدلی منظومه امیرعلی¹
شیرنوایی، «هفت مجلس» آدلی شاعر عالى، و «هفت خوان» آدلی شاعر عطاپىي
نظیره‌لر يازمىشلار. اونون اسکىدرنامىسى بو شاعرلر طرفیندن ترکى دىلىينه
ترجمه و نظیره پازیلیپیدیر: امیرعلی شیرنوایی، احمدى، فتايى و ...
صون اىللارده استادین هفت پیکر منظومه‌سى آذربايجان شاعرى محمد
راحيم و شرفنامه کتابى عبدالله شايق و اقبال نامه منظومه‌سى رضا قلىزاده،
خسروشیرین پۇئماسى رسول رضا و لیلی و مجنون منظومه‌سى استاد صمد
وورغون طرفیندن آذرى توركجه‌سینه ترجمها لونوبىدور.

النيزدە اولان دىوان استادین فارس‌جادان آنادىلى توركجه‌ميه
بؤیوک استادلار طرفیندن اولدوقلارى فارس دىلىيندن ترجمەدىلىر ھەلەلیك
استادین اصلى تورك دىوانى مصريين خديويه کتابخاناسىندا توز - تورپاق
پىشكىددىر. و بىلەكى گۈرونور ھە بو تىزلىكىدە گۈزلەرىمېز اونون نورايلە

ایشیق لانمیه جاقدیر.

حکیر فقیر الینیزدہ اولان دیوانی توپلاییب، چاپا و تیریدیمکی عزیز

دوستوم آقای حمیداًحمدزاده (تعلیم خانلی) حضرتلری بیرگون هده

بره کانلایلا تبریزه تشریف گتیریب گوئزلری دیواننا ساتاشماق همین بویوردولار:

— منده نظامی دیوانین ایشله میشم!

دئدیم:

— هانی؟

آددیم آتان احمدکیمی بیرآیاقین قویوب زنجانا بیرین تهرانا فوراً اوج

دفتر گتیردیمکی:

— بویورون

آلیب باخیب گوئردم بلی حاج احمد آقادا زحمت چکیبلر، نشجه غزل،

قصیده، رباعی وارکی من تربیب ائدهن دیواندا یوخدور، یا گرک اونلاریدا

علاوه ائتمک یا واگنچمک دئدیم:

— نظرین ندی؟

دئدی:

— آل بو نشجه غزلی ده ئوز کتابینا قات منیمده آدیمی یاز مهارک آدیون

آلتنیندا یا اوستوندہ. منده قبول ائتدیم چون بؤیوكدن سوز ائشیتمک

ادبدن دیر. دئیپرلر قدیم زامانلاردا عربستان چوئلوندہ بیر حاجی

آبگوشت قویوب پیشیردی، بیر نفر چوئل عربی یولدان پیشیشیب شوروشون:

— حاجی نمنه قویوبسان؟

دئیپر:

– آبگوشت

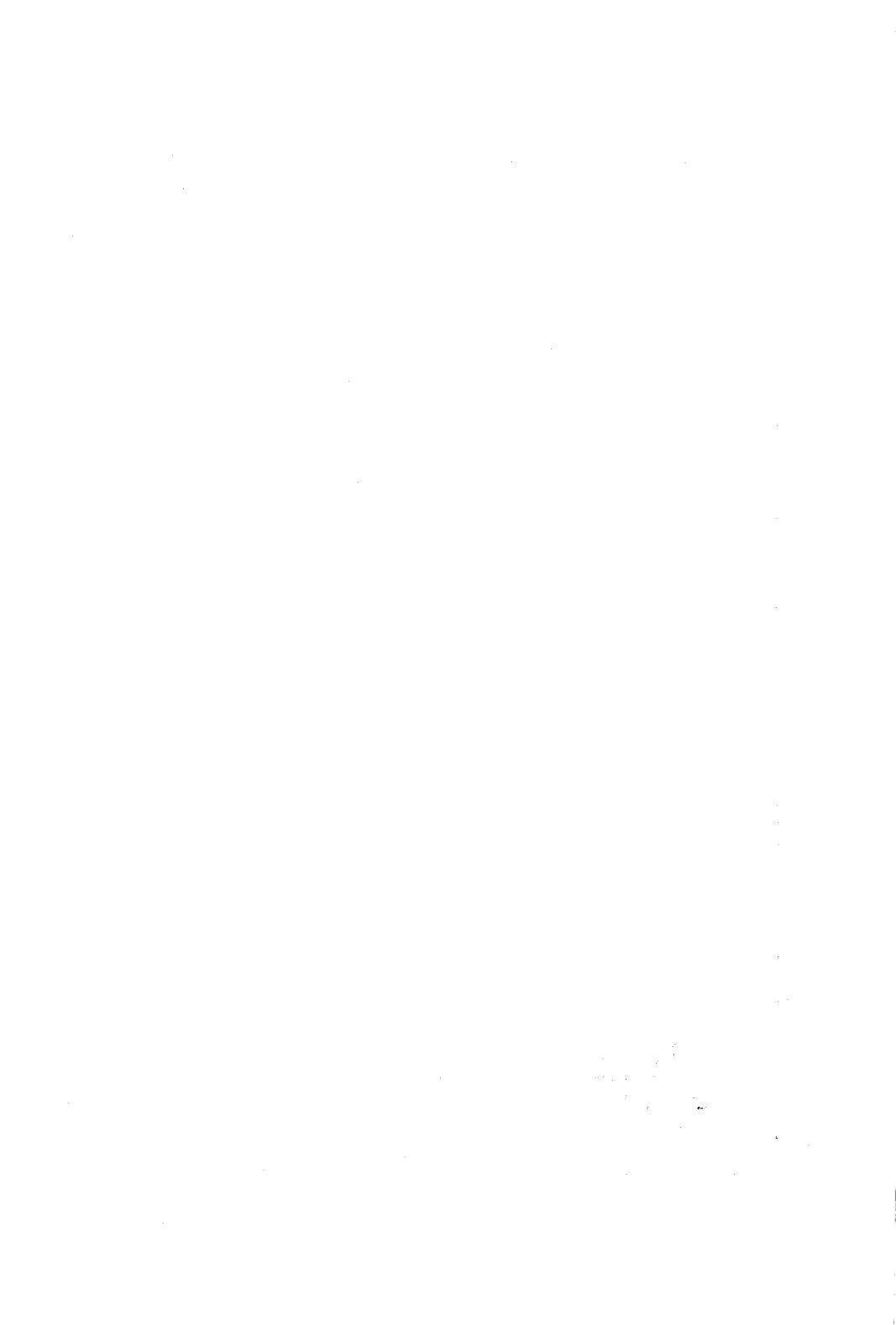
عرب ال آتیب بییر کردنکره (مارمولک) توتوب قابالامانین ایچینه سالیب
دئییر:

– حاجی اانا شریک (منده شریک)

بیزدھ مجبور اولدوق بو دلیله حاج احمدآقا ائیله بو کتابا شریک اولاق
آللاھ هر ایکیمزیندھ آخر۔ عاقبتیمیزی بخیر اعلمیسین ولی ایشلر بئلهکى
گئدیر قورخورام یاخین گلچکدھ نئچە ادیب – ادھا ایله بییر «شرکت کردنکره»
(کردنکره اورتالیقی) تاسیس ائدەک گلچکى کیم گۈرۈب بلکەدە!

حسین فیض الھی وحید
(حسین اولدوز)

غزل للر



شادلیق با غیندا بیر سحر !

کلمیشدیر عاشقلر یازی، معشوق گلرخسار هانی؟!
با غلار دلو بدور یاریله، بس سؤیلمیین دلدارهانی؟!
خرمن بزنمیش پرقدان، صحرا گؤزللشمیش همان
دنیالری ای یارادان، زلف و جمال یارهانی؟!
جهجهه ویرار بولبولری، کؤنول آچار غلغل لری
کیم گئردوالوان گلری، تیکانسیز او لسوون وار؟ هانی؟!
بولبولر ائیلر هی فغان، ناله ائدرلر دور مادان
دوغرو سؤزومه گل اینان، دوستلارداد وزایلغارهانی؟!
گئچمیش گئچیب دور مختصر، بود خد و راو دوستلار دان اثر
بیرده حیاته سال نظر، گئچمیشدەکی دوستلار هانی؟!
چوخ باشلاری او دوزمان، دوستلار او لووب گؤزدن نهان
مست او لدو عالم آه، امان، اطرافدا بیير هشیارهانی؟!
شادلیق با غیندا بیر سحر، کلمز نظامی دن خبر
حیرتلە هر کس سؤیلمیر، او ل بولبول گلزارهانی؟!

سرو خرامان تا پمیشا م

رویاده من جنت شمعین، جان ایچره رخشان تا پمیشا م
اول شمعه یوز پروانه‌منی، بیر آندا حرمان تا پمیشا م
آختاردیم عطربن عنبرین، گوئردو م جلالین سورین
حسنینده طالع مظہرین، خانمده مهمان تا پمیشا م
مدتدی عشق لب دیبه، آختارمیشا م «یارب» دیبه
ظلمات شبینده سئوگیبه، بیر آب حیوان تا پمیشا م
بؤیله ائشیدیم، اول صنم، حسن و وفانی قیلدی جم
کوئردو م جمالین بیر جدم، بیلديم کی عمان تا پمیشا م
بورغون آدام یاتماق دیلر، تشه سویا چاتماق دیلر
آی چشممسی با تماق دیلر، حسنونده تابان تا پمیشا م
سویل مدیلرکی، نیشکر، دائم اولور شیرین و تر
آلدیقدا من بؤیله خبر، سرو خرامان تا پمیشا م
چیخسام بو شرحیمن کنار، طبع نظامی قان اولار
اولماز خزینه آشکار، من گنج پنهان تا پمیشا م

آند اولسون اینان

هر گنجهم اولدی کدر، غصه فلاکت سنسيز
هر نفس چکدیم هدر گئتدی او ساعت سنسيز
سنین اول جلب ائلیین و صلینه آندا اولسون اینان
هجرينه یاندی جانیم یوخ داها طاقت سنسيز
باشقا بیر یاری نئجه آختاریم ای نازلی ملک
بیلمیرم سنه دئدین یوخ یارا حاجت سنسيز
سن منیم قلیمه حاکیم سنه قول اولدی کؤنول
سن عزیز سن من اوجوز بیر هئچم آفت سنسيز
نه گؤزوموم وار آراییم من سنی بختیمده کی یوخ
نده بیر قاچماغا وار منده جسارت سنسيز
سن نظامی دن اگر آرخاین اولساندا کؤنول
گئجه - گوندوز آراییب اولمادی راحت سنسيز

بوسه لبیندن

حسنون گؤزل آيتلرى اى سئوگىلى جانان
اولموش بوتون عالمده سىتىن شائىنە شابان
گل ائيلە عنایت منه وئر بوسه لبىندن
چونكى گۈزلىن بوسىسىدىر عاشيقە احسان
سوردوم كى كۈنول هاردادى آلدىم بو جوابى
ھەچ سورما تاپىلماز اونو آخтарسادا انسان
رحم ائيلە دئىيىب سىل كىمى گۈز ياشىمى تؤكىدوم
گل قانىمە ئىل يوما اى آفت دوران
انصافىن ائر اولسا آچىق سوئيلە نظامى
سەنلە نئچە رفتار ائلىسىن اى مەھى تابان
گل سوئيلە جوابىن نە اولار سورغۇزمانى
احوالىيمى سىندن سوروشارسا قىزىل اسلام

رسم ستمگری توتوب

او مشگ تئل لرین سنین مذهب دلبری توتوب
او ظلمکار غمزهملر رسم ستمگری توتوب
گل او زونو گورهن بشر با غلادی بئل قول اولماغا
جانینى آزاد ائيليميش رتبه چاکرى توتوب
بدنطرين خطاسينا دوشمييەسەن دىيىھ سحر
بىر دعا ائيلىدىم سنه ئىلده او دفترى توتوب
لايقين اولماسامدا من ياش - قورو ما دوز اي گولوم
گۈز ياشيم آخدى سئل كىمى باخ كى او هېرىئى توتوب
مسيحا معجزو كىمى معجزە گۈستەرلىپىن
سنى نظامى گنجوى عشقدە رەھىرى توتوب

تورکستانیمیز

پروانه صؤندور شمعینی، گلدي چراغ جانیمیز
قان آغلا ای گلزارسن، آچدی گل خندانیمیز
اولموش گئجه میدان سنه، جانان منم قوربان سنه
گلدي ای هندیستان سنه، فغفور تورکستانیمیز
بیر سرویدیر قدین سنین، جنتده بوخ برابرین
سن بیراغا من نوکرین، بیز بنده سن سلطانیمیز
پارلار یاناگین شمع تک، پروانه یاندی صبحدک
بیز تشنایک سو وئر ایچک، ای چشمە حیوانیمیز
لطف ائیله بیر ای نازنین، نظامیه اول همنشین
قطع ائیلمدین اوللام سنین بس هاردادیر پیمانیمیز

چشم خماریم گلدي

شعی صؤندور دخی پروانه کی یاریم گلدي
گوله باخ آغلا بولوت نازلی نکاریم گلدي
گنجه بايرام ائدرم جانيمي قربان سنه يار
سروريم، تاجى سريم، باغلی باهاريم گلدي
قامتین سرو سنین، جنتی گزديم تايي یوخ
چاکري اولدوغوم اول شاهی سواريم گلدي
حسنونون شمعينه پروانه دئيیب دؤندى گوله
آتشيم صؤندورن اول لاله عذاريم گلدي
دئييم اى نازلی ملک سئو بو نظاميني دئىدى:
سنینم عهد ائلمدى چشم خماريم گلدي

بو گئجه

پئنه میخانیبیه دوشوشدو گذاریم بو گئجه
کیمسیبییه چاتمادی هئچ ناله و زاریم بو گئجه
بلکه یاتمیشدى ھامى، مى ساتان اصلا بوخودى
ياکى من هئچ نه ایدیم توتمادی کاریم بو گئجه
گئجمەيارىدا نئوتوب بلکه بېرآز گىچمىش ايدى
بېر حريف گۈردى يانىر اوදلارا وارىم بو گئجه
دئدیم آج قاپىنى ھرزه دانىشما دئدى گئت
بو زامان محكم او لار بىل كى حصارىم بو گئجه
بۇرا مسجد دېگىل ھرواختى آچىلىسىن قاپىسى
گئچ گلېب تئز دئمە وار بوردا قرارىم بو گئجه
بۇرا مخلىرى ائوی دىير، بوردا ھامى مست دوشوب
وار شىرىن نغە، شراب، شمعى نگارىم بو گئجه
نه وار عالمده او نون جىلمىسى حاضىر بوردا
ارمنى، گىر، مسلمانلادى کارىم بو گئجه
يىستەمن سندە مصاحب اولاسان او نلارلا
ھامى نىن تورىاغى اول، اي دل زارىم بو گئجه
خدمت ائت دوغرو اپازانە نظامى دىيەمن
محمودون مجلسىنە دوشدى گذارىم بو گئجه

پیمانییه گل

گر غرورون بوخ ایسه لطف ائله میخانییه گل
نرد آتیب ، باده ایچیب ، کافراولان خانییه گل
کافر اسلام اولار آختارما یاسان عیب اگر
سرسی اولمایا جاق بیله بیر افسانییه گل
عیش - عشرتده گولوم فرصتی گل فوت ائلمه
هدم اول میله دلو نشئملی پیمانییه گل
نمچیخار بوش دانیشقدان آراییب گزمه گدن
دورما مرد صحبتینه منزلی جانانییه گل
ای نظامی هرایکی دنیا قورو آددی اینان
ترک ائله عاشیق ایسن یار یاشایان دونییه^۱ گل

۱- دونیایه

لبلرین ای نازلی نگار

گئجه گچمیش منه گل بیر مه تابان اول سن
عشقینین همدیمیم سفرمه مهمان اول سن
دیریلیک چشممسیدیر لبلرین ای نازلی نگار
گئتممیش جانیم الیمدن منه جانان اول سن
چاتما گل قاشلارینی عاشقه رحم ائیله بیرآز
گل آخیتما قانیمی، جان و ترهجک جان اول سن
سارالان چهرمه باخ دردلی سینمدن توزو سیل
چکدییم دردکی سنیندیر باری درمان اول سن
کاکلین آی چتری، مشک ساچیر زلغولرین
بیر قولوندور بو نظامی اونا سلطان اول سن

دلبر

آی اوژلو نگاریم کیمه مهمان اولا جاقسان
بیر سؤیله کیمین شانینه شایان اولا جاقسان
شاھلیق چتری وار باشین اوستوندہ بو آخشم
عنبر چترینله کیمه سلطان اولا جاقسان
شکر دئمیرم من سنه اوندان دا شیرین سن
دلبر نئجه بیر بختوره جان اولا جاقسان
ظلمت گئجه سن نورلو چیراغ، بد گؤزه گلمه
ای آب حیات سن کیمه جانان اولا جاقسان
گئتدین نئجه بس تاب ائلسین هجره نظامی
او خسته ایکن، سن کیمه درمان اولا جاقسان

بئله ساغر / ایسترم

آفرین حسنونه من بیر بئله دلبر ایسترم
گئچملر شمع یانار سن کیمی گوهر ایسترم
او د لبین، عود خالین، هربیری شکر کیمی دیر
والدم اونلارا من بیر بئله مجر ایسترم
دوزدا چوخ لذت اولار، آماکی شیرین اولماز
دوزلوسان همده شیرین، سن کیمی شکر ایسترم
سنین عشقینله توکوب هرایکی دنیانی بوگون
بیر قدحدن ایچرم می بئله ساغر ایسترم
مشگ زلفون نه گؤزل عالمه عنبر داغیدیر
گورنه خوشدور، گؤزلىم، بیر بئله عنبر ایسترم
با غلادين زلفونه قول تک بو نظاميني ئوزون
سوئيله بير زلفون او جو، بير بئله چاکر ایسترم

سردار اولار

غم يئمه، بير يار وار، آخر سنه غمخوار اولار
گۈرسەكى تىنها قالىپسان، يار اولار، دلدار اولار
نورلو بير طالع ديلرسن، ياتما سن تا صبحمدك
هئچ نه چاتماز ياتميشا، طالع آييقلا يار اولار
سن هما سان سئرچەلەرخەرمن لرە چىكسىن ھجوم
سن كى ساليم سن، دوايە محتاج او بىمار اولار
بۇدا شاھلار جىڭ ائدىر، سن تىرىپاراندان قورۇن
تىيدا اللىر مجلس اىيچرە نازلا شىركى بار اولار
بالدى مىلچىك باتدى، ياخدى شىمعە پروانمنى
كىسمى طار آپاردى درىمىند عيار اولار
بۇل اگر يوخسا سرايە، غم يئمه، عىب ائيلمز
شاھ اووا چىخىدىقدا آنجاق ايتچىلىر سردار اولار
آت قدم بىردىم نظامى، ترکائىلە ناكىنى لسى
تا گۈرەك بىرگىن نەواخت بۇئولگەدە سالار اولار

بىرئۇپوش /ايستدىم !

گئچە خلوتجە بىزە سئوگىلى يار گلمىشدى
اوزو آيداندا گۈزل نازلى نكار گلمىشدى
تر آخىب گول ياناغىندا بولود ئوتموشدو آسى
اونو دشمن مى قووب كۈنلۈ غبار گلمىشدى
اونا من گۈز يېتىرىپ خلوتى باخدىم - باخدىم
اووجونون اوولاغىنا گۈرپە شىكار گلمىشدى
او اوپوب هر ايكمىز راحت اولوب بىر ياتدىق
بختىمین باغچاسينا گللى بھار گلمىشدى
دئدى گىتمك دىمىدىر سۈپىلە نه ايسترىن يار؟
بىر ئۆپوش ايستدىم اوندان يئرى وار گلمىشدى
آغلاب گىتدى او يار گۈزياشى ياندىرىدى منى
اودلارا ياندى دىلىم سانكى شار گلمىشدى
اي نظامى دئدى بىردىن آيلىپ گۈردم اوپوخ!
دئمه روپادا بىزە چشم خمار گلمىشدى

۱- اي نظامى دئدى شىروان شاهىنinin باشى اوچون
تىز اوپاندىم دئمه روپادە او يار گلمىشدى

ای گوئزمل گول اندام

ای نازلی ملک شوخ دل آرام
سن سیز منه یوخ قرار و آرام
ای باد صبا آپار پیامی
سویله اونا : ای کوژل گل اندام
گئتدین و آپاردین هوش و عقلی
ائتدین منی ئوز یولوندا سرسام
غم شربتی و ئرمیس حساب سیز
ای سرو قدیم او ره ک تمنام
مجنون کیمی ناله ائھلیب سن
لیلی دیبیرمده صبح تا شام
دائم گزم من هر مکانی
اولماز طلبیمه بیر سرانجام
نه سدن اولور منه سفارش
نه میله دولور الیمده کی جام
قورتار غزلی داها نظامی
گئ خلوته گیر، او تور، توت احرام

گۈزلە گىرم دئدىن نظامى

كۈنلۈم سەتىنلە جانە يېتىدى
آھىم اودو آسماňە يېتىدى
آپىلمارام ئولمىنچە سىدىن
غۇم خنجرى قىلە قانە يېتىدى
عشقىن نىچە گىزلىدىم جهاندا
شورىم اوپىرى جهانە يېتىدى
كروان ھله چاتمامىش يولوندا
كۈچ نوبتى گىلى جانە يېتىدى
گۈزلە گىرم دئدىن نظامى
تئز كى زامان اوآنە يېتىدى

بٰت شاهى حاضيرد ير

ساقى نه ياتىپسان دورمى وئركى باهار گلدى
طالع يئنه ايش اوستە، كۆكسوندە وقار گلدى
بىرداڭە وفا توخمى اكمىشىم او گولشندە
گل آچدى همان دانە، گلزارينە بار گلدى
سېدى سو جىڭر چىشمەم كۆنلۈم باغى گوللەندى
بىر بؤيلە كۆزلى باغە نازايىلە شكار گلدى
سولموشدو، قارىشمىشىدى، مىن دردىلە احوالىم
دىرىچەلدى كوسن كۆنلۈم، صبرايلە قرار گلدى
اقبال نه كۆزلى گلمىش، بۇنداندا كۆزلى اولماز
قوللوقدا دوروب بختىم، دلدارينا يار گلدى
بٰت لور شاهى حاضيرد ير، شاھلار شاهى حاضيرد ير
كوهى بئله نورانى، نزگىسى خمار گلدى
شكرايلە نظامى گل، طوفانلار آراسىندا
بختىن گميسى چىخدى فتحايىلە كىار گلدى

بی خود دور طاقت هجران، بی خود دور
بی خود دور، ای مسلمانان، بی خود دور

هانی اول صبرکی یار سیز قالیم من
دکیل سیز دن بوکی پنهان، بی خود دور

یارین عشقینده غم دنیا قدر دیر
او نا دنیاده بیز درمان بی خود دور

اگر عاشق اولان کافرسه بیل کی
منیمده ذره جه ایمان بی خود دور

نظمی گنجوی

يار تئز گل !

سنسيز ئولورم نكار تئز گل
عمرم باشا يئتدى يار تئز گل
فرىادكى، هجرينده كۈنۈل قان
قالدىم غم اليندە زار تئز گل
شادلىق كېرىپىر، نه خوشۇ و غەزەن
من تك بىر اسىرى وار تئز گل
اوخولار منى قاشىنىن كەنانى
رحم ائيلە اوزىتما يار تئز گل
قصدىن جان ايسە گل آل بوجانى
سندن دئيىلەم كىار تئز گل
سندن بىزە يوخسا چارە سۆيلە
اينجىتىمە بىتىب قرار تئز گل
ائىدى سنه جان فدا نظامى
آل ائت بىزى بختىار تئز گل

شوخ جانانى

کۈنول سئىر تىئىلخېير يارىن جمالىيندە گلستانى
بىڭىز او چىتلرده بىتن ھر لالى رىحانى
بئله شوخ ستمكارى جهاندا گۈرمىش ھېچ كىس
او قىورىم زىفىنە باغلار هەآن يۈز رىند و شىدانى
برابر يوخدۇر عالمدە منيم دلىرى زلىخامە
سالار مىن يوسفى بىnde اونون چاھ زىخدانى
صبا اول نازنinin يارە اماندىر بىرك نفس ويرما
كى كۈينكايچە چوخ اينجە لطىفدىرى يارىمەن جانى
آخار شىركى ئەنمەن بئله شىرىپن كلامىندان
ھاچان كىم صحبتە باشلار اونونلا شوخ جانانى

بو گئجه گلیب وفا قیل !

کؤزونه فدا اولوم من بو گئجه گلیب وفا قیل !
وصلین ایله سن بودردى کونله گلیب دوا قیل !
بوتون آرزوم بودورکى سنى خلوتى ئوبوم من
سنى ژلغونون هواسى، گل بو آرزومو روا قیل !
بئله قايداديركى شاهلار فقيره نوازش ائيلر
نولا سنه شاه کۈزىلە بو فقيره باخ، عطا قیل !
باغلايىب كمر نظامى، صنما سنه قول اولموش
لطف ائديب اوно قاپيندا قوللوق ائتمگە رضا قیل !

ای سئویملی دلدار

سنسيز ئولرم، دوروب تلس يار
سز تاپ منى، يوخ يانيمدا غمخوار
قان اولدى اورك فراق اليندن
وصلين هانى، اي سئویملی دلدار؟
نخمه او خوماق كى، صنعتينديز
كل بير او خو، اي گؤزل صنعتكار !
چكمه قولاغا طرف او قاشى
او خلاما كمانيله منى زار
جانيم سنه لازم، آل سنين دير
بوندان منه قاچماق عار او لار عار
سندن منه يوخسا بير كەكلىك
ائتمە بوقدر بارى منى خوار
وئىدى جانينى سنه نظامى
آل ساخلا اونو، ايتيرمه زينهار

غم داغيلدى

گتىرن دمده صبا عطر دلارامى منه
سانكى عيسى نفسى جان وئر ئولموش بدنە
جانمىن يوسفى يعقوب تك آچار كۈزلىرىنى
كۈينكىدىن بىر عطر گىسى بىت الحزنە
چمنىن گوللىرى عنبركىمى مىن عطر ساچار
زلفونون عطري بېرآز گىسى نسىملە چمنە
ڭاه او گل پالتارىنى پارچالا يار خوشلوقلا
كاھدا لطفىلە وئر تاجىنى هر ياسمنە
قىزىل اولسا مىسى بىر تحفه كىمى وئرمىزلىر
لاكن هردم خوش اولار من كىمى الدن گئدەنە
يۇز ايلىن ئولموشونە دوشسە يېلو دلبىريمىن
عجب اولماز دىرىلىپ بند اولا بو روح وئرمنە
پارچالار باد صبا قىبىمىزىن زنجىرىنى
ساچىنىن قىورىمەنى آچماق اىچون چاتسا سەنە
وصلىينە يېتىدى نظامى بونا مىن شكر ائدەرك
«غم داغيلدى» سۆزونو يايىدى بوتون انجمەنە

آ نازلى دلبر

سندن حالىما، گۈزۈم نظر بوخ
عقلىمدەن ايسە ايشه ظفر بوخ
عشقىنده سنىن آ نازلى دلبر
مجنون اولوام سە خىر بوخ
گۈز و عقىلى نە شرح ائدىم كى
گۈز كىتىدى، عقىلەن هەچ اثر بوخ
ھر جور بولۇ گەچمېشىم، گىركىر
جان وئرملى باشقا بىر تەر بوخ
جان وئرمك ايسە كفایت ائتمىز
بوندان اوپىانا دا رەڭذار بوخ
محشر گونو شېھىسىز بىزىمچۇن
بوندان داها نقد بىر گەر بوخ
بوخلۇق ئۆزو بىر حقىقت ايسە
بو ملکىدە هەچ كە شەر بوخ
جاندان اوز الينى اى نظامى
بو يئرده حىيات اىچۈن مقر بوخ

يئرسىز يئرە بوڭدر نەلازىم ؟

سن اولسان اگر قمر نه لازىم؟
يا عاشق ايچون شىرك نه لازىم؟
وصلىن گىچە سىندە آى سن اولسان
دنها وارايىن سحر نه لازىم؟
ياندى جىرىم كباب اولدى
بىرده منه بو جىرك نه لازىم؟
اميدوار ايكن وصالە بىرده
حسن عالىينه سفر نه لازىم؟
بىرگون سن ئۆزۈن گلىپ چىخاندا
بونجا غم و دردسىر نه لازىم؟
وعده وئىرىن نجون قاچىرسان؟
يئرسىز يئرە بوڭدر نه لازىم؟
زىلفون وارايىن، منيم عزىزىم
نظمى ايچون كىر نه لازىم؟

اوزده حيادير

سون دردين منه ان خوش دوادير
منى لال ائيلمين او زده حيادير
بوتون عالم نوازش گوردو سندن
نه تقصيريم وار، نصبييم درد، بلادير
وفادن صبردن محروم ايكن من
منيمده واليفيم صبر و وفادير
عجاييدير خطالر جمله مندن
سنه نقصان دائم ئوزى خطادر
اران شهرىندن اي سن، هئچ دوشونمه
نظامى كندلى دير، يا بىنوادير

ای نازلی گؤزهـل

ای واله ائدن بوتون جهانى
راحت ائلمىن قوجا - جوانى
بېرلشدىرىپ حسنونون بھارى
بېردىمە بىنۋە، ارغۇانى
اول سروقدىن اوچالدى دلبر
تعظيمە گتىردى آسمانى
كولدن آلاراق كۈزهـل كەربىند
قارغۇ كىمى باغلادى ميانى
شاد اول بوگون اى كۈنول چتىنىد يېر
بېرده تاپاسان بو خوش زمانى
عمرۇن آتى چوخ يئىين چاپاندىرس
جلد اولدا جىلۇولا بو بلانى !
كىل آلما نظامىنин اليندن
ای نازلی گۈزـل بو آستانى
بىتلر شاهى سىنسن ايندى نئجە
سلطان بىلىـر عالم ارسلانى

عنبر سارا

منم بير صورته عاشق، دگيل آيدا اونا همتا
نه صورت؟ صورت دلبر، نه دلبر؟ دلبر زيبا
او زونو گۈرمىسىم بېرگۈن، گۈزۈمىدىن چىشملىرى چاغلار
نه چىشمە؟ چىشمە لۈلۈ، نه لۈلۈ؟ لۈلۈ لالا
خرامان او لسا باغ ايچەرە سالار مىن غلغىل اطرافە
نه غلغىل؟ غلغىل بولبۇل، نه بولبۇل؟ بولبۇل شىدا
خيالى يارىميمىن هىدمۇ غىيمىھ هىدمۇ اولمۇشدور
نه هىدمۇ؟ هىدمۇ محرىم، نه محرىم؟ محرىم سئودا
گۈزەل دىلدەرىمەن زىلەنلىك اولوب گلشن كىمى خوشبو
نه گلشن؟ گلشن عنبر، نه عنبر؟ عنبر سارا
نظمى، من او جانا نىچۈن گىركىدىر نوش ائدىم شربت
نه شربت؟ شربت قابل، نه قابل؟ قابل جانا ۱

۱- نظامى نىن بىر غزلىيە آذرى بايجان كلاسيكشا عملرىپىندىن
حسن اوغلۇ، نسيمى، احمد تېرىزى ئۆزى ئەرىپىنىڭلەرى زەمىشلار.

سلطان ائدیم

ونج ایله بو رنجیمی آسان ائدیم
در دیلە قوى در دیمه درمان ائدیم
قانلا دولموشدور جگر تا قلبمدى
قانلا قانى من نىچە پنهان ائدیم
ياز دئيپير: عشقە فدا ائت قلبىنى
باشقاسى قلب ائتسە قوى من جان ائدیم
صبرايلە هجران او لسايدى علاج
صبر يوخ كى چارە هجران ائدیم
صبر او لعاز او لعاسا وصل نگار
من بو درده چارمنى هاردان ائدیم؟
قلب راحتلىك دىلە، دىلە نياز
هانسى فرمانى گرگ عنوان ائدیم
اونلارين حكمون نظامى دىنلىمىز
امر وئرسىن قوى منه سلطان ائدیم

گؤزلره چىكىن نقاب

قويمما آ جانان غمىن قلبىمىي ائتسىن خراب
اودلى فراقين جىڭ ملکنى ائتسىن كىاب
عاشقى گۈر حسنوون اولدو تعصب كشى
بىل اونا لازم دېكىل، بىرده گونش، ماھتاب
سوْزلىرىن اولموش شىرىن قىند و شىرىن فقط
تىكىچە ائدىپ دىير منى زهرى اىچون انتخاب
ايستىرمىم گۈزلىرىم بىركىسى سالسىن نظر
كىرىپىكىمىي ايستىرمىم گۈزلرە چىكىن نقاب
وصلىپىنى خاطرلاسام آغزىما لذت گلر
ياد ائلييب حسنونى من اولورام كامىياب
بزم ئاظامىيە گر دوشسە جمالىن يولو
هر نفسى روح اولار، هر ترى عنبر، گلاب

جمالیندیر نگارستان

منیم ای نازلی دلداریم، منیم ای دردیمه درمان
منیم ای دولتیم، واریم، با غیشلا، گئچ گناهیمدان
سالاندا سن منی بنده، یاخینلیق اولماسا سنده
اگر قانیمی توکسنده، یولومدان دؤنمرم بیرآن
شیریندیر لبلرین دلبر، او گول رخسارینی گوستره
یازیق کوئنلوم سنی ایستر، منی الدن سالیر هجران
جمالی پردهیه سالما، بو عاشقدن اوزاق قالما
گوئزومدن انتقام آلماء، منی قوبیما بئله حیوان
بدخسان لعلی سنسن یار، اوزون یاقوت کیمی پارلار
سنون حسنوندہ دیر گلزار، جمالیندیر نگارستان
منیم چین لیلی، عمر انسان، ویا بلقیس و صنعا نسان
یادا بیر ماہ کنعا نسان، سنہ اولسون جانیم قربان
منی سن مجnoon ائتمیش سن، حیاتدا محزون ائتمیش سن
او زونه مفتون ائتمیش سن، ائدیپسن قلبیمی بربان
دئییلدیم من سنین یارین؟ کی اولدوم ایندی بیمارین
سنون نورانی رخسارین، منی یاندیردی، ای جانان
نظامی اولدو بیچاره، ائدیب هجرانین آواره
تا پیلمیر دردینه چاره، اولوب جاری گوئزوندن قان

رخسار يار ئونوندە

باخسان جمالى ياره بير لالغزار گۈرسن
رخسار يار ئونوندە گلزارى خوار گۈرسن
آختارما گل چمندە، آچماز نقاب غنچە
جو حسنى يار ئونوندە، هر گلى خار گۈرسن
بىر بوسە ايستەمن گر، سەن لەلى يارىدىن بىل
اوخلار سنى او كۈنلۈن آلتقان اولار گۈرسن
بىر عمرودور غەينىدە، قلىيىم قرارسىز اولموش
كىچە يوز ايلدە بؤىلە سەن بوقوار گۈرسن
ھرگاھ نظامى تك كىم خودكاملىق اونوتسا
وصلە ايرىپ اولار شاد، اول غەمسار گۈرسن

چشم خمار

دئديم عشقينده وفا گؤسترجك نازلى نكار
بىلەمدىم كى بوقدر ظلم ائدەجىدىر منه يار
بىر سىب اولمادان ئوز عشقينه لاقىد اولا جاق
عهدى - پىمانى آتىپ هي ائدەجىدىر منى خوار
چوخ تكىرلە گزىب هەچ كىش باش اكىيەجىك
اورەگى سىندىسرا راڭ ، آغلا ياجا قدىر ئوزى زار
منى آشته ئەدىر زلفى كىمى هە دىمە
كاشكى رحىمە گلەرك صونرا اولا يىدى دلىدار
من اوونۇ دوستو ايدىم او منى دشمن بىلىدى
كىيم بئلە دوست ايلە دشمن كىمى ئايلىر رفتار؟
باغانلىدى دىنەمى محكىم ايکى زىنار زلفى
بىر توکوندىن آسىلى قالدى بو محكىم دىنەدار
دايمىا نالە ئەدىب من ياشادىم حىرىتىلە
آنچاق هجرانى منىم دردىمە اولدو غەم خوار
أونا باخىبدا نظامى ئىچە ئەتسىن توبە؟
آيىغا م سۈيىلسەممە مست ائدر او چشم خمار

سئوگىلى جانان

آى اوزلو گؤزل حسنونو گؤستر منه بىرآن
تا منده اولوم ائلدن اوzac گوشىدە پنهان
گىزلىتمە گونشىن داها پارلاق او جمالى
قوبما گنجىلەر ذرىكىمى يوخ اولوم اوندان
قان آغلاياراق ھى دؤزۈرم مىن جىورە دردە
يۇخدور آخى عشقىندىن اوzac قاچماغا امکان
قسمت منه آنجاق سنون هجرانىن اولوبىدور
اولسون كى جايىمداندا عزيزدىر بئلهھجران
خوشبخت گۈزىلېم سىدە فراقىندا جواندىر
ھجرين نئجه گۈر ائتدى منى پىر و پريشان
عالىدە اگر يوخسا منه مثل و برابر
ائتىدين سن اسىر ايندى منى سئوگىلى جانان
جاندان داها الچىكمىيسن آنلا نظامى
اولمازسا اگر سئوگىلىدەن دردىنه درمان

پای آپارا ملک لره

صبح چاغى آ دلىريم اوزدن آچاندا ھالمنى
اوئاندىرار، گۈزون - اوزون، نىركىز مستى لالمنى
مىلە دولو پىالمىھ عكسى دوشىرسە حسنوون
مست گۈزون خمارلىغى مست ائيلمير پىالمىھ
حورى اگر وصالىنون لذتىنى دادارسا بىل
لېلىرىندىن پای آپارا ملكلە نوالمنى
آيرىليغىن قولىنىدى يار، سوئيلەرى هئىچدە غم يئمە
بوسە وئىrip گنج ائدرم پىر ھزار سالمنى
اولدى نظامى قول سنه، قوللوغۇنو قبول ائله
امضا ائدر عشقى بىل يقين كى بو قبالمى

زنا را ولا جاق بيرگون

مست ليك ائلبيين دولت هوشيار اولا جاق بيرگون
بو ياتميش اولان بختيم بيدار اوجاق بيرگون
ياخشي بيليرم ضايع، اولماز يوخوسوز شب لسر
من صبر ائدرم آخر، ديدار اولا جاق بيرگون
قاپى آچيلار همه، وار هر گئجهنин صحى
دلبرده بئله قالماز دلدار اولا جاق بيرگون
آهسته اول اي دشمن، بيل سئوگىلى جانانىم
اغياره محل قويماز، غمخوار اولا جاق بيرگون
دشمن او نا هرچندى لطف ايله يانا شسا بيل
يارين گۈزى ئونوندە چوخ خوار اولا جاق بيرگون
كافر ائيلدى دلبر عشقىنده منى آخر
زلفى دىيىمسن بئلده زنا را ولا جاق بيرگون
سيىندىرىدى، نظامىيە ئوز وئودىكى پىمانى
شك سىز بو ايشىندىن او بىزار اولا جاق بيرگون

بیر چوخ نگارین عشقینه

بونه سئودا دير آ دوستلار، من بئله زار اولموشام
عشق الينده بير يازيق اوو تك گرفتار اولموشام
بوندان اول دوشومشم بير چوخ نگارين عشقينه
اينديسه گۈرمن زواللى نئجه بىزار اولموشام
هر بير همت صاحبىنин ئوز گۈزمل دورانى وار
بسنجون من، اي الهى، بو قدر خوار اولموشام؟
اول سېبدن دو وېرىر ھركى منه تهمت كى من
محنتىن بازار باشىندا بير گناھكار اولموشام
سو منه دگىھە همان يانعىش گۈرر خرمىنى
يئل منه دگىھە گۈرر وجمىز و ناچار اولموشام
اي نظامى ئوز ايشيم دوستلوقدا يوسف قورددور
تازمدن يعقوب كىمى كۈنكلە من وار اولموشام

خلوته مایل اولار !

عشق دیپر: چیخ کبمدن گئت داخل میخانه اول
یار ایسه سؤیلرکی عاشقس اگر دیوانه اول
عشق زحمدن چکینمز، خلوته مایل اولار
عشقه باغلاندینسا سن، هر بیر شیئه بیگانه اول
کویینه دوشدونسه یارین دانه اول غم قوشونا
وصلینی آرزو اندیرسن، شمعینه پروانه اول
نرگیزه میل ائیلمز، آزاده سروی آختاران
بو شاهها ائت بندملیک، او خزنه ویرانه اول
می ایچنده سؤیلهسن «من کللمدن نوش ایلرم»
اوnda گئتمه کویینه، گئتسن اگر مردانه اول
بیر زماندا سن گونشدن اول بیر آزادا ذره تک
یار قوشونا تور اندینسه، ایندی توردا دانه اول
بلکه سندن سؤزدوشه یارین حضورینده او دم
بو نظامی تک هرآن دیللرده بیر افسانه اول

سۆيىلدى: خوش قال نظامى

من كىم كى سئوپىمىم اول يارى مەمان ائىلدىم
يا دئىبىم اول دلبرايىلە عەد و پىمان ائىلدىم
نازىنин جانان منى بىرگۈن چاغىرىدى سفرمىھ
سەرمەسىنده من غذانى قىبلە جان ائىلدىم
ئۆز جمالىنى يارىم بايراملىق اشىدى بو گىچە
مندە وارلىق ملکىنى بىرآندا قربان ائىلدىم
لېلرىن ئوبىك چتىندى، بوسە اشىدىم پاينى
ئىچە ايللىك دردىمە بوسەمەلە درمان ائىلدىم
كۈنلۈمون دردىن دئىدىم «نه خوش حكایت دىير» دئىدى
باشىمى دىز اوستونە قويدۇم نىگەبان ائىلدىم
صبح نامحرم گلېب وصلى حرام اشىدى منه
يار يولا دوشدوڭدە من جوشدوڭدا طوفان ائىلدىم
سۆيىلدى: خوش قال نظامى بلکە گلدىم بىرددە من
گىتىدى، من قالدىم، آمان، هجرىننە افغان ائىلدىم

نازلی سلطانه

توتوب تور زلغونو يارين ائدرکن خالينى دانه
قوش اوللام، حسن شمعينه دۇنوب اوللامدا پروانه
چىركن آشنا دردین منيم قدرىم بىلىئىمىزسى
داها ياخشى اولار هىدم منه اولسايدى بىگانه
قاشىن محراپى اوستوندە نمازىم باطل اولدوقدا
عقىدم عكسينه زلغو مناڭتىدىم بېر صليب خانه
اونو آغوشىمە آلسام دېپەر: «ھەندە نقصان وار
منيم تك نازلى سلطانه دېگىل لايق بولۇرانە»
اله دوشىسە اگر بېرىگۈن نگارىن زلغ زنجىرى
آتىب عقلى بېرآن ايچەرە اولاردىم اصل دىيوانە
يارىم لىلى اولوب مجنون حساب ائتسە نظامىنى
قوباردىم «لەلىي - مجنون» دان داها تاثىرلى افسانە

قانا غرق اولدى حسرتله

گۈرۈب رخسارىنى گللىر نقاب ائتدى اوژە خارى
سەنە بىنده اولوب در حال بىلە بىند ائتدى زنارى
سەنی گۈرددو كىچە هەرنىچە قانا غرق اولدى حسرتله
قىزاردى يا خجالىتن بېر آندا رىنگ رخسارى
بنفسە زىفىنى گۈرجىك، اوتناندى ئۆز جمالىنдан
بوبون بوكدى گلستاندا پوزولدو حالى، بازارى
سەنین تعرىفىنە، جانان دئدىيم سە سادمەجە بېر سۈز
ائشىتىدىكىدە او نۇ سو سن دولاشدى جملە كفتارى
يارىشماق اىستەمسەن آنجاق قىزىل گل لە يارىش چونكى
يومولدى نىركىزىن چىشمى، گۈرە بىلمىز بورقىتارى
ھىزلىه اىستەمى بولبول كىرە بىحە نظامىلە
تو تولدى نطقى، لال اولدو گۈرن دىمە بو اشطارى

آت بو يالانچى طاعتى

عشق بازليق شوريىنى دنيايم من سالديم اينان
توللايىب سجادمنى ميخانىمكى اولدوم روان
كۈردىم اوردا من كىچە قلبى اوياق انسانلارى
مندە رندرلر مجلسىنده جهد اندىپ توتىدوم مکان
من جانى يانىش بئلە حال اھلىايىه اكلىشىپ
كۈز ياشىلا دولدوروب پىمانمنى، ايچدىم همان
سوپىلدى پېرىم: مى ايج آت بو يالانچى طاعتى
حلقه تك آسىدم قولقادان بو سۈزو، دىنجلدى جان
بت پرستلىك بئلىنى من باغلادىم زنار ايىه
خرقىنى سجادمنى آتماقلا اولدوم كامران
عشق قدرىن شبەمىز عاشقى اولانلار درك ائدر
مندە عشق اساريىنى عاشقىرە ائندىم بىيان
رند اياغىنه، نظمامى، سن آغىزدان اينجى تۈك
كۈزلىرىندىن لعل آخىب، اشطريىنى وئر ارمغان

گؤزلری شهلا یه باخ !

روحانيلر قبلمسي اولدي، بو ترسايه باخ
هاني مسلمان چيليق قبله، كليسايه باخ
آچديم او بت ئونوندە، مندە بو سجادىمى
گۈز نه ورولدور بته، من كىمى رسوايە باخ
كليسانيين حلقمىسين گىدىپ چالدىم سحردن
خاج منه وئردى جواب راهبى شيدايە باخ
اونون او خاج صورتى ائتدى منى بت پورست
زاھدلilikde شهرتىم دوشى دو دنبايە باخ
نغمە داودكىمى او جالدى زنگىن سسى
سانكى سليمان ائوى اولدى كليسايە باخ
قبلماام اونون گل اوزى، گونسە اونون قبلمسي
رخسارىنinin قبلمسي ايشيق ساچير آيه باخ
كليسىمى گۈزلريمدىر، چىشمىسى كۈنلۈم قانى
چشميه تئز تئز گلن گۈزلری شهلايە باخ
قىرخ سنه دىر عاشقىم، عالم آشكار بىلىر

گىزلىنده كافر اولدوم، ايندى بو سودايه باخ

دئديم ندن دؤنوبىدى كليسيه كعبه دئدى

خوابىدە گنج اولار نظامى معنايىه باخ

ترسا قیزى

ترسا قیزى بير ظريف گل اندام
داش قلبى، غرمهلى دلارام
سيماسى گؤزل، اداسى دلبر
گون شعشەمى، شكىدە بهرام
گۈرددوم اونو من سحر خيال تك
قلبىمدىن آليب قرار و آرام
تاشپىرىدى منى بير اوسلۇ عشقە
ائىتدى او مەnim خيالىمى رام
گوندوز اوزومە ايشيق سالاندا
وصلى ائلەم، بو گوندوزى شام
گۈردوکدە اونون گۈزىل جمالىن
يوخ اولدو گۈزۈمە كفر و اسلام
حېرتىدە قالىب بو دور نظامى
گۈرمىز اونو بىرەدە چشم اىام

منى دلدار ساخلارسان

منيم تك كهنه بير دوستو نچين غمخوار ساخلارسان
وار اول احسن دئيير عالم، نه ياخشى يار ساخلارسان
منه خوشدور غميم جانان، اوئا گل درمان آختارما
سؤال ائتمه نديير دردين؟ عجب بيمار ساخلارسان
نه رنگيله اولورسان اول سنيله من وارام داييم
اگر تسبيحه مايلسن و يا زنار ساخلارسان
سنى من دوست سايريديم سن منى دشمن حساب ائتمدين
سنيله فخر ائديرديم، سن منى ناچار ساخلارسان
اگر اولسا غميم يونگول، سنين غصمن اوilarآسان
نئجهكى كؤنلومه خوشدور منى دلدار ساخلارسان
منى داييم نظامى ئوز عزيز جانانى بىلمىشدىر
روامي سن اونو، بؤيله ستمله خوار ساخلارسان

حیات آدلی سولار چاغلار

اوژون مشتاقیم ای دوست، گؤرونمزسن ندن بیرآن
سنه بندە منم سؤیله سن اولدون کمیلره سلطان
جمالینلا لبینچین من گؤزون توتどوم ایکى شاهد
ئوزونسن حاکیمیم، ھم دشمنیم ھم شاهدیم ای جان
اوژونه آینادا باخسان اینانکى قیسقانار کۈنلۈم
آماندیر ياد نظرلردن اونو پنهان ائت ای جانان
گۈزل بېر مشگىن ای يار صبادن گىزلىدیر سرین
پريشان زلفنى جانان صبادن ساخладىن پنهان
سنین محلمندە، عشقآدلی، حیاتآدلی، سولار چاغلار
سولانسىن گئچدىگىن يوللار چىچكلىنسىن آياغىندان

هر باخیشین قان ایچیر!

هر گئجه قلبیم اولور غصه الیندن کاب
رحم ائله یوخ طاقتیم، حالیم اولوبدور خراب
هجرين اییب قدیمی، هرباخیشین قان ایچیر
آتدیغین اوخلار وئیر قلبیمه مین جور عذاب
هرنه سوروشد و مسامن، سوسدی دیلین، دینمددین
سولدو امید گلشتم، اولمادی سندن جواب
آبریلیغین ائیلدى گۆز ياشیمی سئل کیمی
یوخ، قان اولوب گۆز ياشیم، آرتمادادیر اضطراب
گوندە نظامى دعا ائتدیکى، غملنەممىسىن
شادلانيرام کى دعام اولمايير هئچ مستجاب

گوئزلرین یادلا ری گؤرد و گدە گولور !

ديلريديم^۱ منه سن بير گئجمليك يار اolasan
عهدي پيماني توتوب عهده وفادار اolasan
گوزلرین یادلا ری گؤرد و گدە گولور نرگس تک
بيـر تـيـكـان دـيرـمنـهـ غـمزـهـنـ،ـ نـولاـ غـمخـوارـ اـولـاسـانـ
دوـسـتـلـوـغـوـنـدانـ دـئـعـيـشـ منـ نـئـجـهـ دـشـمـنـ اـشـيـدـيـبـ
منـيـ اـغـيـارـهـ خـجـيلـ اـئـتسـنـ ئـوزـونـ خـوارـ اـولـاسـانـ
منـهـ دـوـسـتـ اـولـ،ـ نـهـ ضـرـرـ دـشـمـنـيـمـ اـولـسوـنـ عـالـمـ
كـيمـسـمـدـنـ قـورـخـماـرـ آـنـجـاـقـ كـىـ دـوـزـ اـيـلـقاـرـ اـولـاسـانـ
سنـ نـهـ قـوشـسـانـ سـيـنـايـيـمـ منـ نـهـ سـاـيـاقـ جـانـ سنـىـ
هـانـىـ بـيـرـ بـوـيـلـهـ كـوـنـولـ بـندـ وـ گـرفـتـارـ اـولـاسـانـ
شـهـرـ اـهـلـىـ سنـينـ عـشـقـينـدـهـ نـظـامـىـ كـيمـىـ دـيرـ
نهـ روـاـ اـخـسـيـتـاـنـاـ مـؤـنسـ دـلـدارـ اـولـاسـانـ

۱- آرزي ائديريديم

هر سحر آليشديرير خيالими

گؤزون ئونوندە عاشيقين شيري نئجه شىكار ائدير
پلنگ كىمى جاوانلارى بىر آندا بى قرار ائدير
چكىپ دە كىرىپىگىن دەن اوخ، او اىرى يايدا ساخلاير
نه ايشدى كە ورولما مىش بو قلىبىم آه و زار ائدير
آلېب لېين سراغىنى، داغىتىمىشام لىاسىمى
گؤرون بومى نە مى دى كى اىچىلمىش خمار ائدير
دئديم او داش اورەكلىدىن وفا گؤرۇم نە چارەكى
منيم بو شىشه كۈنلۈمە اليمە سىڭسار ائدير
شېين وصالى هر سحر آليشديرير خيالimi
او هر گئجه بوكۇنلۇمو گؤرون نە تار و مار ائدير
خزىنە دىرسە مەختىن خرابىلدە مسكن ائت
قرارسىز كۈنلۈدە سور ندن غەمىن قرار ائدير
نه قدر ئالىيم او سادا نظامى ال گۈنورەمىسن
گل اىستىن جفا چكىپ تىكاندا روزگار ائدير

جانان تلس گل ايندي

ائتدى غمین نگارىم عمروم بوبى اذىت
چاتمىش سمايه آھىم بسىر منه بو ذلت
دېرىنالارىم توکولدو بو سىنمى دىدىمكدىن
ئوتدى پىچاق سوموكدىن يوخدور جانىمدا طاقت
گىزلىتمك اولماز اصلا" سئودانى بو جهاندا
باشقا جهانه چاتمىش حاققىندا بىلکى صحبت
كۈنلۈم سنىن دالىنجا دوشموش يولا نە واختدىر
ھەچ كاروان اونونچىن بىر ائيلمز ھادىت
سۆز وئردىنکى نظامى وصليم اولاز مىسر
جانان تلس گل ايندى تا الده واردى فرصت

انصافلا ديند ير سئوگيليم

سن هله باخ نوجوانسان من دئيشديم چوخ يامان
سن گوزللسدين منيسه گنجيگيلدن يوخ نشان
من كيمي بير نوبهار سانما تغيير ائيلمز
باغ و باغچام، هرنه وار سولدوردو بيربادى خزان
سن خليل سن من اوダメ، فارشيندا نئچين سؤنميم
من ئولوم سن آرزوتك عمرائىلە هر بير زمان
سن شكست ساندىن منى دوزدور شكسته بندمييم
من بىلن قلىيدير بوقلب سن گۈددۈگۈن جاندىر بوجان
سن بىزى فرمانلا يوخ، انصافلا ديندىر سئوگيليم
لطفينه انصافينه يالنىز ئوزونسن حكمران
قوللوغوندا قول كيمي دورموش نظامى رحم ائله
هر ايکى دنياده كۈنلۈم سىدىن اولسۇن كامران

من گافر عشق اولدوم !

سرخوشلوق ائدن دولت هوشیار اولاچاق بیرگون
ایلرجه یانان بختیم بیدار اولاچاق بیرگون
قالماز بو قاپی باغلی وار هر گئجهنین صبھی
دلبر بئله هئچ قالماز دلدار اولاچاق بیرگون
اغیاریمی جانانیم اوخشارسا بوگون البت
بو سئوگیلی گؤزلرده او خار اولاچاق بیرگون
من کافر عشق اولدوم بیلدیم کی بو داستاندان
بوینومدا اونون زلفو زنار اولاچاق بیرگون

نازلی نگار

دینلەمدى هاردا كۈنۈل يارىمىزىن صحبتىنى
ال آتىب جىرىدى همن پالتارىنى خلعتىنى
لاوبالى كىمى مقصىد گۇدمرەك ساتدى ئوزۇن
آلدى جان نىقىدى وئربىب نازلى شىرىن آفتىنى
منه گل ائىلە وفا سوئىلمەدىم هېيج ائىلەمەدىن
آلمادىن سايە ندىن سوئىلە اورك صحبتىنى
شادلىقىن بال و پىرىن بۇيىلە نئچىن سىندىردىن
او قاناد لارلا كۈنۈل اوچدى تاپىب شەرتىنى
سن نظامىھ كىمى خط چىممىسىن نازلى نگار
او بوتون دوستلارا خط چىدى قىرىب الفتىنى

گؤزومه صورت جانان گؤرونو

گؤزوم آيدين گؤزومه صورت جانان گؤرونور
مشكى عنبر ساچاراق عطريله افshan گؤرونور^۱
آللاها شكر ائدرم، اي گؤزومون نوري بوگون
يار گلليب گؤز ئونونه سروي خرامان گؤرونور
آيريليق زهرينى داددىم آجيدا اولسا وصال
ايكي دنيايه دهير ايله كى هجران گؤرونور^۲
سنى بير دفعه گؤرهنلر گونىر عشقمىزه
آه سنى گؤرمەميم اونلارا آسان گؤرونور^۳
عشقى جانىم ايله بىلدە بېرىلىكده كؤنول
اونسوز اي سئودىجىيىم، جان ائوى ويران گؤرونور
اي صنم وصلين ايله ئوileكى شاد اولدى كونول
پيتىدى غم گؤينگىنى سى كىمى خندان گؤرونور
شادلىقىندان آلشىب ياندى نظامى دئدكى:
گؤزون آيدين، گؤزومه صورت جانان گؤرونور

-
- بختىمىن گؤز گوسونه سنبلى رىحان گؤرونور
 - يارا ائتمك ايكي دنيايه براابر كىمى دىير بونو دويىدوم دوياراق ئوileكى جانان گؤرونور
 - نه اوچون گؤزلرىن اي دل بىلە گريان گؤرونور

گیزلی غم، بلاسی . . .

خوشدور سنین یولوندا ای دوست، اذیت، محنت
غم کوهله‌نی چاپیرتماق تا وار یولوندا فرصت
گل چهره‌نین ئونوندە بېرشاڭ كىمى دايانساق
يانماق گرک باشىلە ائتمك جانىلە خدمت
جانان سنین فكرينلە خوشدور سنى دوشونمك
عشقينلە كۈنلۈم اصلا اولماز بېر آندا راحىت
خوشدور سنین ئونوندە باش ايمك اى نكارىم
باشلار گرک تاجايىلە ائتسىن او حسنە حرمت
غم صرافى او لويدور دنييادە بىو نظامى
گیزلی غم، بلاسی آچماغانە وارمى حاجت؟

گۆزلرین باخدى منه

يئنە توبه ائويىنى عشق خراب ائتمەددىير
عاشيق افكارىنى سئودا مى ناب ائتمەددىير
كۈنلۈمەبىر ملکىين سئوگىسى اودسالدى اونون ^١
آدى زەرە ئۇن اونو جانى حساب ائتمەددىير ^٢
اونون عشق آتشى ھە قىلە گىرىر آما ندن
تك منىم قلىبىمى آتشدە كىاب ائتمەددىير
گۆزلرین باخدى منه سۈيىلمىدى صبر ائت سىنيم
دوغروسو صبر ائدىرم عمر شتاب ائتمەددىير
آھو كۈزلۈلرى ياتىش زامان اودلار اووجو
گۈرۈپ آھو گۆزونو اووجونو خواب ائتمەددىير ^٣
مصلحت دىرىمنى قووماقدان ايسە وئرسىن عذاب
يار بونويا خىشى دوشۇنۇش دور عذاب ائتمەددىير
گۈر نظامىنى خطا ايسە هلاك ائتدىرمك
عاشىقم يار منى ئولدورسە ثواب ائتمەددىير

١- آدى ٢- گۈنودە، زەرەنيدە گۆيىدە سراب ائتمەددىير
٣- عمر روپادە شكار اولماغا تاب ائتمەددىير

خوش گئی حیر

حسنونو گورد و کجه دلبر روزگاریم خوش گئچیر
وصلينه چاتديقدا حاليم اى نگارييم خوش گئچير
گوسترنده اول گونش سيمانى هردم عاشيقه
هر ايکي عالم اولار سانکى با هاريم خوش گئچير
قالشلارين بنزره هلاله، صورتون بدره گوزه ل
بو هلاله، بدره با خديقجا مداريم خوش گئچير
سوپريلهسن لطفيله بير سوز سن نظامي شاعره
سربرس عمرو اوتون اى گل عذارييم خوش گئچير

قتلینه فرمان یازاجاق؟

غنجه کیمی مین درده کونول دولدی جفادان
عمر ئوتدى، خبر يوخ، نېيمىس، عهدى وفادان
سن دردى، غمى هي منه وئرمك ديلەيرسەن
منسه او غمى بخش ائدرم عشقىنه جاناڭ
خستە گۈزومون چارەسىنى سوردۇم اوركىن
گۈستردى آياق توزلارىنى دردىمە درمان
يۇز گۈينگى يېتىدىم كى چاتام وصلىيە دلبر
بلکە منه گۈينگى اولاسان اى مەھى تابان
صدقىلە سەنە حمد و شنا اىتىدى نظامى
بس، سن يئىنده قتلینه فرمان یازاجاقسان

غرق / ائيلر سنى ئوز قانينا؟

هرگئجه تدبير گئورور كونلوم سنين هجرانيما
صبح تئزدن بند اولور عشقين شيرين سلطانيما
كونلومو وئرديم سنه من - سن ايکى جان اولموشوق
باشقا بيرجان وارمى يئتسىن باشقا بير جانانيما
گونلىرى بايرام كىمى شيرين گئچر باخسان گولوم
صبح تئزدن سن نظرسالسان اگر قربانىما
وارمى جرئت فالدىرام شمشير سن تك آتلىيا
باشيم اوسته توتموشام وور ضربىنى قالخانىما
مجلسيندە من كىمى مەھمان گىرك دايىم سنين
گوهرى تو كسون اوزه، قصد ائيلەسىن ئوز جانينا
سن جىڭرى ديدىمگەن ئالچىك، اى پرى ائت امتناع
يوخسا غرق ائيلر سنى بيرگۈن جىڭرى ئوز قانينا
كۈزلىرىمدەن سېل كىمى تو كدوم جىڭرى سوپيون بوگۇن
نا نظامىنىن غبارى قۇنماسىن اىوانىما

بو دشمن لیک ندن دوغدو؟

منیم اوخ قلبمه دیمیش گؤزوم پرخون ندندیر
ئوزون قلبيمدەسن، نقشین اولور بېرون ندندیر
بو دنیاده منیم آنجاق يگانه ايستەگىم وار
بشر بېر قلبە صاحبدىر، بئله شبخون ندندیر
فضاي عشقده پرواز برابر ائتمىشىك بىز
سەنین مەھرىن گۈرك، عشقىم منیم افزون ندندیر
توتاردىن دوست منى اول ندن مەھرى اونوتدون
بو دشمن لىك ندن دوغدو، كنار اولدۇن ندندیر
شقا قىلدىن بوتون ناچار اورەكلر هاردا وارسا
نظامىيە چاتىپ نوبت، جفا قىلدىن ندندیر

زلفوندن ئوبوب يالوارارام؟

عاشيقم امرىنى وئر عاشقى نالانه گولوم
يانينا يا گليم عقل ايله يا ديوانه گولوم
نقدر تندە جانيموار سنى جاندان آرارام^۱
يا ئولوب يا يئترم سن كىمىي جانانه گولوم
سنە دوست اولدوغوما جملە شەھر دشمن اولوب
منه رحم ائيلە^۲ باخىب بىر بئله دشمانە گولوم
هاردا گۈرسىم سنى زلفوندن ئوبوب يالوارارام
عاشيقە، عاشيقە يوخدور يازى ديوان آ گولوم
سىسىزم بؤيلە حالا هەچ كسى دوشسون دئەرم^۳
ائىتمىيير ياره كۇنول دۆزمىيير هجرانە گولوم^۴

۱- سۇورم قلب ايلە جانيم كىمىي جانانى من

۲- منى عفوائىلە

۳- سىسىزم سىندىن اوzac كىمسەنلى دوشسون دئەرم

۴- يېتىمەيىر ئىل سنە يوخ صىرددە هجرانە گولوم

اسدی بیر باد خزان

سن اوسان او ندان دا ياخشى من دئيشديم چوخ يامان
سن گؤزللشدين من اي سه گنج ليي مدن يوخ نشان
اسدی بير باد خزان سولدى با غيم با غچام منيم
گل اونو شنلت با هارينلا، سنه قالميش گمان
سن خليل سن من او دام قارشيندا جان صؤنسون گرگ
من ئولوب گئىسمده خوشدور سن ياشا هر بير زامان
گل بيزي فرمانلا يوخ، انصافلا دينديير سئوگيليم
لطفونه انصافينا يالنيز ئوزون سن حكمران
سن منه دوشگون دئييرسن دوشگونم البدىكى
سن بيلن او لسون كؤنول سن سايدىغين او لسون بوجان
قوللوغوندا قول كىمى دورموش نظامى رحم ائله
هر ايكي دنيادا كۈنلۈم سدن او لسون حكمران

آغیر عمانه يئتىرىدى

وصالون هوسى عمرومۇ صون آنه يئتىرىدى
هجران غمىنин خنجرىنى قانه يئتىرىدى
كروان ائويدىر غملى كۆنول عشق يولوندا
بو درد ياتاغى كروانى - كروانه يئتىرىدى
بوشكىن گميسى عمروموزون حيف اونو روزگار
جوشغۇن شېملەلە آغیر عمانه يئتىرىدى
توردان قوتاران قوش كى قايتماز تورا بىرده
گئچمىش عمورو كىم يئنيدن جانه يئتىرىدى
بىلسن يئنە بىز بىلەمەمىشىك قدرىنى وصلىن
چونكى بىزى بخت غفلتا" احسانه يئتىرىدى

سوسن قالدى سۆزوندن

گل جمالىن گله دئىدى: دور پرده سال او زوندن
گللىر زنار با غلامىشىرى ياناغىندان او زوندن
كۈرۈمكى قان ئوتموشدور نقابىنى غنچە نىس
خجالىتن بورونوب كى كۈرمىيەس بىلكە سى
قولاج- قولاج ساچلارىنى آچىلاندا مطاعى
بنۇ شەملر گۈچىمك اوچون يوڭ با غلاadi بىلىرسى
او ارغوان جمالىنин بىراشарه ائتمەسى
يا سىنى لال ائيلدى سومن قالدى سۆزوندن
اگر داوا ائدرىسى سە گله سۈيلىك حكمونو
چونكى نرگىس خمار اولموش يوخۇ ياغىر كۈزوندن
نظامىلە چوخ اللشى بولبۇل ائتسىن رقابت
بو غزلى ائشىدرىكىن سوسدو، گىتىدى ئوزوندن

گؤزەل بىر موسىقى دىنلە ؟

جوانلىق وارايىن الده گىك قدرىين بىلە انسان
امين اولما گلر بىرده بو ملکو ترك ائدن كروان
بوكولمۇش قدىنە بىرباخ قوجالمىش شخصىن حسرتىن
جوانلىق گونلرىن دايم گىر تورپاقدا سرگىدان
نه دولت وارسا دنيادە سنه آنجاق عمرودور بىل
اونون معناسىنى دركائىت چالىش بوش گىچمەسىن بىرآن
گئرى دؤنمز گىچىن بىرگون آييق اول دايما سندە
روا اولماز كى مستلر تك گئچە غفلتىدە بو دوران
نچون سن هرزە ايشلرددە وئيرىسن عمرۇنو بادە
خىرلى ايشلرە صرف ائت، حياتى ائيلەجاويدان
بۇل ايلە آلمادىن جانى، بىلەسىن قىمتىن، قدرىين
كى اوغوروادا قدىر بېلىم اوغورو ولاسا مالى آسان
اگر سن شادمان اولسان غىمە هەتچ بىر ضور گلىز
ويا غىمن ئولوب گئتسن توخونماز شادلىغا نقصان
نظامى سندە روح وارسا دانىش عشق و محبىتن
گۈزل بىرمۇسىقى دىنلە شراب وئرسىن سنه جانان

نظامى سنى گۈزلىرىڭل - گل !

ياخىشى بىر سؤز دئىگىلن تا شكر ارزان اولسون
ياخىشى ال توت كى ستم، درد وغم آسان اولسون
قورخورام كى وئرسن دادىمىي ئوز قلبىندن
بؤيلە سۆز بىس بؤيلە وعده نئچە پايىان اولسون
اوخشايىب عاجزى هرآن بئله اىستر دلبر
تئز جزا حكمو وئريب گئچدە پشيمان اولسون
اي پرى اوزلو نظامى سنى گۈزلىرى گل - گل
گل قارىشقا ائوى بىر ملکى سليمان اولسون

گۆزەل گۈنلر

خراپ اولدى كۈنۈل ملکى نىڭارىم ايله بىر شفقت
آپاردى گىجى بىيگانە گۆزتىچى ائىلەز غېرت
ايتىبىدىر كاروان گۆزىدەن، بو چۈلدە قالمىشام تىنها
نه كەھلن وار ندە ئونچۇل قدم آتىماغا يوخ قدرت
ياتىب قالدىم بو تورپااغىن ئونوندە صېحدىك يارب
عچب يولدوركى بىر تحفه بىزىمچۇن اولمايىر قىمت
نظامى تاپمىسان آرتىق بو دىنيادە گۈزل گۈنلر
كۈچوب گىتنىك گىرك بوردان قازان سن يولاوجۇن شىوت

بو عقربدن، بو طالدان

کیمدیر دئییل، دیپرسن، ایندی جهاندا بدیخت?
بیر یئرمی وارکی اوردا یايماز فلك اسارت?
زینت وئریب ده هاردا بیر طالعه گلین تک
بو آینیه بنزr دوقوز اوزوکلو خلقت
عالم بو ایسه گؤردوك، يوخدور اونون اوژوندە
بیر ذرهجه صداقت بیر ذره نور شفت
دردى، غمى، نه وارسا فرض ائیله اولمايدیر
ئويله دوشون کي، يوخدور عالمده بؤيله محنت
بسىر فلك گوبکده مشگيله عنبر آنجاق
تاسیخماينجا اولماز اوندا ائله لطافت
مشگايىلە دولدورارسا دورانى بو زمانە
وار مشگونون اوژوندە مطلق قاندان اشارت
ترک ايلە بوجهانى بسىر داھا نظامى
بو عقربدن بو طاسدان سن گۈزلە سعادت

گؤنوللره عطیر ساچان

قوی سنه سوئیلهسین گؤزل عاشيق ئوز حالى زارينى
دانلاياسان بلکه سن ئوز گؤزلىرىنин خمارينى
سرزىش ائيلمعه اوغا، واله اولارسان آن به آن
كؤرسن اگرچى گؤزگوده آى كىمى ئوز عذارينى
قويمما فراغى ترك ائده هجرانه ئورشىب كؤنول
قويماميش او سنه ياخين آهى شر نثارينى
آرخالانان زامان سنه سئوگىلىنى اونوتما گل
قويماكى آيرى عنوانا چكسىن او رخت و بارينى
يوسفى قلبى سالميسان چاهى زنخداندا زندانا
ايىدى كمك قولون سالىپ چىخار او دلفكارينى
نافه كىمى قانىم دونار جمالينا سېنده سن
كؤنوللره عطیر ساچان او زلفى مشكبارينى
عذرۇنە دىل آچان زامان لال اولور عاشيقىن ايان
لطفونون اختيارينا وئريب ئوز اختيارينى
اولدو نظامى قول سنه امرىينه منتظر دوروب
عىهدە وفا ائديب اوغا گؤستر ئوز اعتبارينى

آل قانیما غلطان ائدهسن ؟

ممکن مودور منی قربان ائدهسن
در دلبریمی گوروب درمان ائدهسن
گوز یاشیملا ایسلامدادان بد نیم
آل قانیما منی غلطان ائدهسن
اورک دائمه آرتیق الدن و ئرمیشم
اونا چاره ئوزون، جانان ائدهسن
ضعیف او وام ساخلامنی ئولدورمه
ھئچ دیپرمی منی قربان ائدهسن
گوز تیکمیشم دوداغینین شهدینه
امیدوارکی بیرگون مهمان ائدهسن
بلکه وروروب لبلرینه مهرونو
نظمینی بیر سلیمان ائدهسن

سنسن بیزه معبد

عمرون بوبو حال توتاماگا سن ائتمدين عادت
ای کاش تاپاسان حالیمیزی سورماقا فرصت
من تک نئجه خرمى یانانوار غمین ایله
شفقت ائیلمک اوچون ائدیریک مین دفعه منت
بتخانمده هم کعبمده سنسن بیزه معبد
هر پئرده سنین ایچون ائدیریک بیلکی عبادت
اینجیرسن عجب کی سنی من سئره دالاندا
سنده باخیب اغیاره منه وئرمە اذیت
یوزلوله غزل سؤیلمدی مدھیندە نظامی
داش قلبیسн عجب ائیلمدی اونلارا رغبت

عرشی تیترت !

بول چتین، عالم قارانلیق آتینی بیریانه چك
وارلیغى اگل بير زامان جان ملكونه وجدانه چك
قوو كؤنول باغچا - باгиндан بو قارا قارغالارى
امتحان ائيلە، هما قوشلارىنى ميدانە چك
كۈنلۈمە اولدۇنسا محرم اي كولوم آچ پىدمىنى
حکمتىن شربىتىنى آل باشينا مردانە چك
اھل روح مجلسلىرىنده هېچ زامان اولماز آغىر
ساقى تك ايج آل شراب، هر ايشىنى سەمانە چك
مشغول اولما ذرمە جنت - جەنخەلە ساقىن
از جەنم باشىنى بىردىھ قلم رضوانە چك
گۈچە روح عالىيەن حكمتىنە چاتدى الىن
عرشى تیترت، گىرىشىن اىپلەرىنى مستانە چك
گىت قىمىسىز او بولو دىل سىز دانىش هر سۆزونو
باخىدادان كۈر صورتى پىمانەسىن گل جانە چك
اي نظامى بو قدر اسراركى سن آچمىسان
آنلايان يوخ رمزىنى بىدىر اونو پنهانە چك

شوره گلر جمله گؤزه لر !

سن كۈنلۈمى آلماقدا دىلر سىنى آ دىلرى؟
سولسون او بئەيىك عشقىنە بىلەنمىش عمللىرى
بىر خىلى زامان واركى آچىلىرى او گل آغزىن
زىحەت چىرك قىرمادى پىتن دخى شىڭىز
ھەر كېرىپىگىنە بىر پى مفتۇنى زىبۇن دور
زىلفۇن داغىلار شوره گلر جملە گۈزىللىرى
غىزەن نە يامان رونقى اسلامى يخىدىرى
توت باشقۇ عمل اولما گۈزلە گل بئەلە كافر
صەحرالىر چىخسان بىلىرىم دىلرى رۇنى
قبلە ئىدجىك حسنوئە گون آيىلا برابىر
عقلە گلچىك ھەنەكى دىيوانھەلىرىن وار
روپۇندىن اگر اولسا كىار او قارا تىئىلىرى
بو حسنو جمالىلە بو اولدى گۈزۈنۈشە
ممکونسى بىزە لطف ائلىيىب رونقى گۈستەر
تا اينكە نظامى كىمى هجران زىدلەر قوى
بئىل باغلاباراق قوللۇغا اولسون سەنە چاڭىر

با غلاديم بئل خدمتىنده

اى نگارىم، كۆنلۇمو چالدىن فسون خوان اولما گل
سن منى لال ائيلەدىن بسىرىز زبان دان اولما گل
سن كۈنۈل آلماقلا ائتدىن، قىل نظر، هر قلى شاد
قورخ بىسمىحرومۇن جانىندان قاتلى جان اولما گل
اذن وئر تا بىر زمان سئر ائيلىييم گل حسنىنو
سانماكى بىر اوغرۇيام آرتىق نىگەبان اولما گل
با غلاديم بئل خدمتىنده زلفىنه بىر مور تك
مورى غارت ائيلەك بىر سليمان اولما گل
ئويلىه كى صورتىلە اول سرخوش قايتدى مجلسىسە
بادە وئرسن بو نظامىيە گرانجان اولما گل

قاشی کمان

ای گؤزل آفتلره سلطان اولان
قویما باخا حسنونه دوشمان اولان
مسکینم، اوخ آتما، ظریف سینمه
ضربینه دؤزmez بئله نالان اولان
ایچدین اورک قانیمی سن می کیمی
اولدوم آدى قلب ائوی تالان اولان
قوی پیخیلیب پاینی ئوپیسون باری
ایندیهدک سئوگیسی پنهان اولان
گل اوزونو گۈرمەییه يوخ جرئیم
قاشی کمان كىربىكى پېگان اولان
عاشقى صاديق سە هامى دوغرودور
يۇخدى نظامى كىمى شکران اولان

عشرت ائتمک صبحمدک

بو گنجه یاتماق ندیر، خوشدور کئف ائتمک صبحمدک
باشقا گون ممکن یاتیبدا کامه ینتمک صبحمدک
گاه سنی جانا چکیب، گاهدا گوز اوسته ای نکار
گاه سینمده گاه کؤنولده یئر دوزلتمنک صبحمدک
بیربادام دیر گوزلرین شیرین شکر دیر لبلرین
سرخوها خوشدور مزهله عشرت ائتمک صبحمدک
آیریلیقدان من دونن غملر یندیم اولجاق گنجه
باشیما وصلین سنین تاج قویدو گورجک صبحمدک
جانی ای جانان او دوزدوم ایندی فرصت سنددیر
نقش وور، می دن او خو، نرد اوینا مردتک صبحمدک
زلفوно بوک توبهتك گون باتعمايش بیر بوسه وئر
توبهنى زلفون کیمی سیندیردا می چک صبحمدک
گل بو آخشم لطف ائله دینله نظامی شعرینى
قاپبىنى بيركىمسه آچماز باخما سوژ چک صبحمدک

اولار بندە سنه قيصر

گول عشقيله ئوتىن بولبول گىدىن تك گوللى صحرايىه
گىدىرسن اى عزيز دوستوم بوگون سندە تماشايىه
بو گل رنگلى جمالينله بزمەنكچىن چمن صحنى
بئلە موزۇن لطافتلە خرامانسان او ماوايىه
سونون حسن و جمالىنى گۈرن احسن دئىير شكسىز
دوشورسن بى وفا راهب كىمى بىر شكل ترسايىه
طاووس تك سەن آجان دمەدقانات راهب دوشىر دېدىن
سنه حىران قالار كەھلىك باخىب بو قد رعنايىه
اولار بندە سنه قيصر، قولون فغفورايىلە خاقان
گىدىرسن چىنلى تك سانكى بۇتون دنيانى يەعمايىه
اولايىدى نوح قدر عمرون و قارون مثلى املاكىن
ائدىپ يوسف كىمى نالىه اولايىدىن بند زلىخايىه
ائشىت اى قارداشيم مندن نظامى شعرىنى تاكى
سنه گۈز دگەھسىن، چونكى گىدىرسن تك تماشايىه

دلبرین زلفی گیمی

ایستمدمیم نامه محبتدن او دلداره یازیم
دردینی غم دلو بو قلبین او خونخواره یازیم
ائدمیم عنبر قلمی کاغذی گول یارپاگینی
دلبرین زلفی کیمی خطیمی قاپ - قاره یازیم
گرچه اولماز خبری عاشقینیں حالیندان
یازمیشام یوز دفعه قوی ایندی دگرباره یازیم
سئوگیمی بیرجه قلمله نئجه من شرح ائیلمیم؟
قان تؤکن کیرپیک اوجویلا اونو رخساره یازیم
سینا بیلعز بو، کئنول آرزوسو یوز دفترده
اونلاری بس نئجه بیر خیرداجا طوماره یازیم؟
ساده سؤزلرله مگر هجری بیان ائتمک اولار؟
گرک هر حرفده مین سیرله دلو چاره یازیم
آغلایان دمده نظامی یوبیلور یازدیغی دا
اوندا قوی گؤز یاشیمایله او جفاکاره یازیم

سولانسىن گئچەگلىن يولاڭ

اوزون مشتاقىم اى دوست ندن بىرآن گۇرونمىزىن
سندە بىنەه منم سۆيىلە كىمىن سلطانى اولدىن سن
او گۈزلىرى گل جمالىينلە لېپىنچىن شاهدىمىدىر، يار
دېۋان ائتسىن ئوزۇنسىن بىل، منه ھم شاھد ھم دشمن
او حسنو آينادان باخسان، اىيانكى قىسقانار كۆئىلۈم
اونو پىنهان ائت، اى جانان آماندىرى ياد نظرلىرىدىن
نە عنبردىر او زلفون كى صبادن گىزلىدىر سرى
اونو توتىدوقجا سن پىنهان صبا گۈرمك دىلىر هرآن
سەنین كى آستانىيدان حىات آدىلى سولار چاغلار
سولانسىن گئچدىيگىن يوللار، گل آچسىن گل قىدمىرىدىن

ياقوت بد خشانه

يا رب نه جمالدير بو وئردىن مه تابانه
كى حسنى برابر دير يوز يوسف كنهانه
گون قاشلارى طاقيندا بىر گؤر نئچە گيزلىنىمىش
اودلو ياناغى بنزد ياقوت بد خشانه
گويما كى قىزىل گولدور بىتىمىش بو چمن ايجره
بىر گؤر نه بزەك وورموش سرو قدى گلستانه؟
ذوق اھلينه شىرىن سەپارىن حسنى
اشعارى نظامىنىن خوشدور داها افسانه

بىر مخفى كافر!

روحانى كعبمدىر او ترسا دلبر
كعبمىله كليسا آيرىدى مگر؟
بت پرست ائيلدى ساچلارى منى
اولدو زاهدلilikim بوسبوتون هدر
خاچدان بىرسىن گلدى «رهبان يولودور»
دؤيدوگون بوقابى هر آخشام - سحر
ئىندىپ سجادەمى ئونونه آتدىم
او بت سە سالمادى منه خوش نظر
اول كىسالار ياخيندى ، قالدى
گۈزلىريم دىرىدە، اولدوم خون جىرى
قبلەم حستو اولدو، قبلەسى گونش
اوزو گونشىن دە اولدو منور
قىرخ ياشىم اولاندا مشهور زاهدىم
ايىدىسە اولموشام بىرمىخى كافر
داود نغىمىسىدىر اونون زىڭ سىسى
كليسا سليمان ملكىنە بنىزىر

من دئديم : نه ايچون كعبه دير اولدو ؟

او دئدى : نظامى سوس، سوس بيرقدر

دايما خزينه ويرانمده ديس

بئله قانون قويموش قانون وئرەنلىر

ای مسلمانلار

یئندە قلبىمى چالدى او گىرخسار مسلمانلار
اوركىن ائيلرم دايمى من آه و زار، مسلمانلار
عزىز و كامران ايديم، اورك اولموشدو ئوز آرخام
چىخىپ گئىتىدى اوركالدى، من اولدوم خوار مسلمانلار
اوركىن ائيلرم فرياد، اونونچون قان آخرىر گۈزدىن
اوركىن اولماسىن هېچكىس گرفتار اى مسلمانلار
بوتون عاشقلىرىن واردىير يانىندا شوخ دىلدارى
منه آرتىق نه دل قالدى، نده دىلدار مسلمانلار
نظامى مقلس اولدوقدا اونو ترك ائىلدى يارى
بو دوز دور مقلسه اولماز خريدار، اى مسلمانلار

خرقه میزد ه کهنه لیب

عشق معیاری گنگیشی سینه‌نین معیاری دار
بیول ازو بندور، آت چولاق، هم تنده یو خدور اقتدار
بیر کؤنول وار دیر ایچی یوزمین جوره غمله دولو
بیر جه منزیل وار سادا انجامی اولماز آشکار
فارشودا وار بیر قویو مین بیر فلاکت مخزنی
مین کک چنگینده قالدیم الده بیر جه شاخه‌وار
هم کؤنول هم نامه بیر یئرده قارالمیش بوسبوتون
همده خوار اولموش تعامله جهاندا آدلا، عار
قالمامیش طاعتندن اصلا بیر اثر آددان سوای
خرق‌میزد ه کهنه‌لیب هربندی اولموش تار و مار
کوب دیبینده دوشدو قالدی گؤز نئجه سجاده‌منزه
داشلارا چارپیلدی، اولدو هر صراحی خاکسار
دین و دنیا گئتدی الدن، تئز اود وزدوق هر شیی
نقشمی برباد اولانلارتک او توردودوق غمگسار
ای نظامی عشقدن ائتمه شکایت بونجا سن
صلحی آختار دایما جنگ و جدلدن اول کنار

منتظرم عنایته

آی کی توتولماز ای صنم بیرگئجه ائلیب وفا
وعدمنی یاده سالیبان مطلبی ائدهسن روا
هر گئجه هر گون ای نگار منتظرم عنایته
ئوز نفسینله تا گلیب ائلیبیمسن منه دوا
من نقدر فغان ائدیم قاپین ئونوندہ هر گئجه
سن یاتانا یئتیشمیبر حیف بوناله، سن، صدا
اگر قبول ائلیبیمسن قوی سنه بیر ئویود وئریم
کؤز یاشیمین بلاسینی قلبدن ائیلمه جدا
لطف ائدرکدہ بیر زمان قالدیریسان سعالره
صونرادا انصاف ائلیمسن الیندن ائیلمه رها
جور ائامه بو شهریده من کی غریب دوستونام
غیریبی سئوممسن باری، حرمت ائله بو دوستونا
ائیلەمدىگین ظلم اودونا یاندی نظامی ای صنم
آللاها خوش گئتمز آخى ائدندە یاره مین جفا

دودا غيندان بير ئوبوش !

گر وفا ائتسه عمر ياره وفا ائيلهيمرم
بوش گئچن وقتيميزى بونلا ادا ائيلهيمرم
حکمون ايله دلانوب هئچ كسه باش اگمميشم
هرنه حكم اولسا يئنه بىلەمە فنا ائيلهيمرم
راھد ايت تك سنه قويروق بولاساقورخوم يوخ
قور د قوووب من سورونى چۈلدە رەا ائيلهيمرم
دودا غيندان بير ئوبوش ايسته ميرم رد ائلمە
خوشلۇقا يلەۋئەزۈزۈن يوخسا خطا ائيلهيمرم
گل نظامى يانينا نازىلە گۈز دىمكدىن
قورماقچىن سنى هر دىمە دعا ائيلهيمرم

آل سنده پیمانه

قارانلىقدىربوتون عالم، چتىندىرىپول، دوشآتىنداڭ
جانىن خلوت سراسىنە بۇ وارلىقلا چكىل بواڭ
ائىلهكى حقه چاتدىن سن، بۇ صورتدىن تمام ال چك
او دم مېنلرچە معنا شربىتىن اىچ مفتىمە، آسان
اونا چاتدىقىدا مستانە سمانىن پىردەسىن قالدىر
سمانىن گؤيلىرىن تىترمت، فضا ملکىنده سال طوفان
 يولۇندا پوسقو قورموشلار آماندىر قورخويا دوشىمە
كماڭ چك مرد— مردانە سنه ياور اولار يىزدان
گىنده ساقى هيچانە الە آل سندە پیمانە
حال اھلى بزمىنە داخل اولوب چك باشە اول خىنداڭ
قدمىسيزگەت يولۇن، ھمە جمالىن سئر ايلە گۈزسۈز
حدىشىن دىنلەمسىن دىلىسىز، آغىزسىز، اىچ شرابىيىنداڭ
نە لازىمىدىر جملە بېھشتىن قىدىنە قالماق
جەنم اوستونە خط چك بېھشتى يئرلە ائىت يىكسان
نظامى بۇ نە معجزى دور طبىعتىن ظەھور ائتدى
داھاسوسى، سوس بىتلە رمزى هانى درك ائىلەملىكىن انسان

طالب سجاده و زنار دگیلسن

ظن ائدهک سن منه بیر ذرهده غمخوار دگیلسن
بونو کیم تصدقیق ائدر بؤیله ستمکار دگیلسن
من کیمی قلبی یانان چوخ دولانیر کوبیندہ
هامویا شفقت اندیسن، منه دلدار دگیلسن
کعبه، بتخانه ایچیندہ نقدرکی سنی آندیسیم
گؤردوم هئچ طالب سجاده و زنار دگیلسن
اینجیسن نه ایچون حسنونه با خدیقجا گولوم
ئوزگه با خمار اگر سنده دل آزار دگیلسن
سنده خوش گلمدی هیهات نظامی غزلی
چونکی داش قلبی سن شعره خربدار دگیلسن

گؤزه‌ل نگاريم

خوش اولسون تا سنه، اي نازلى جانان
گئرەتلار اولورلار بير آندا قربان
عشقى نين او دونا يانىب كول اولدوم
با غيشلا، نه ائديم، اولموشام حيران
وصالين اوغورلو بير فالدىر منه
رد ائتمە عاشقى سن ئوز قاپىندان
سۋىيەلى دلبىريم، گؤزه‌ل نگاريم
ئولدورمه عاشقى ديلينلە هر آن
ندىميم غم اولموش سئودا بزمىندە
من بير قارىنچا يام سنسە سليمان
نظمى حيران دىر غمىندە سىين
ستمین ياندىرىر اوتو هر زمان

نوازش ائیلدن

خدمتینه ای کریم هر گنجه پایدار اولان
بس نیبه گوژلرینده بو خدمتیم اولدو خوار هرآن
دشمنی دوست بیلیب اونا خیلی نوازش ائیلدين
دوستلارینا بو عار اولور سن خجل اولدوغون زمان
کؤر منی سن نه وجھله ائیلمیسن اوزی قارا
کیم ستمیله من کیمی غملره اولدو آشیان؟
من سنه جان دئدیم فقط سن منی ایلمدین کنار
عمر گچیر دوزلما دین، خصلتین هی اولور یاما ن
قورخوسو وارکی ایسلانا بو قورو جانمیز بیزیم
دوزلا شکر کیمی اودا اریبه سودا دورمادان
سوئزده نظامی نین آدی فتح ائلمدیسه عالمی
گئت شاها قوللوق ائیلهکی تک اودو اصل حکمران

خوش اولار

خوشدور اى دوستوم بولوندا جانى قربان ائيلمك
خوشدور هجران آتىنى آردىنجا جولان ائيلمك
شام كيمى هربير گئجه يانماق خيالىن اودونا
خوشدور آستا اريپب تحفهسىنى جان ائيلمك
قويمايير راحت منيم بو قلبيمى عشقون سنيس
خوش اولار وصلينه بيرگون قلبى شادان ائيلمك
بلكه خوشدو كى آتىم كاندارينا باش ئورتومو
يوخ داها خوشدور باشى كاندارە غلطان ائيلمك
دردىنى ياخشى بىلىر صراف نظامى اى گۈزەل
خوش اولار هر سرينە اونو نگەبان ائيلمك

سنە او خشاماز گۆزەل لر !

نه گۆزل، نه خوش گلېبىدىر بئله دايىمى غىمىن يار
اونو شادلىغا دئىشىم، ائدىرىم بونا يىمىن يار
داخوشىمىدۇر جور و ئىلەمۇن، بونا سن نجور باخىرسان؟
او شىرىن نوازشىندىن داها خوش گلېر ثېمىن يار
من او يام باجا ماسامدا سنە خدمتىم اولور چوخ
سن او سان كى ائتمىسىن هېچ منەچارە بىر ئەلين يار
دئىدىن اىستە وصل مىدن، تلمىسىر عمۇر دئىدىم من
بو غەمىلە وصلە يوخدۇر گمانىم چاتام يقين وار
سنە او خشاماز گۆزلىرى ملگىم تايىين كى يوخدۇر
اورەك ئۆزگىنى سئورمى بونا اول گىلىن امین يار

دلخونم ای دوست

سوروشدون حالیمی ممنونم ای دوست
جگر پاره اورک پرخونم ای دوست
گل عاشیقلیق سوزون مندن کنارائت
سن اول لیلی کی من مجنونم ای دوست
الیندن ائیلرم فریاد فریاد
بو فریادلا گونو افزونم ای دوست
سوزنلره اشیتدیم مهربانسان
من اونلاردان مگر بیرونم ای دوست
بیخیلسان، سویله سن امداده گللم
یئتیشکی، ایندی من دلخونم ای دوست
نظامی شرعايله دیل آچدی هیهات
سنی هنج توتماییب افسونوم ای دوست

لا لهزاري نئجمدير؟

عزيز ائلچى كؤنول يارى نئجمدير؟
من بىمارىن او نگارى نئجمدير؟
سوئيله أملیك آھوموزون نرگىسى
سنبللىرى، چمنزارى نئجمدير؟
بولاغىندان سو اىچمىشىدир شىرىن
گوشمىينىدە لالمازاري نئجمدير؟
دوست توتانى اوپاد سايدى كۈنلۈمۈن
دوشمن اولان او دوست يارى نئجمدير؟
گئجمـ گوندۇز من آتشىدە ياتيرام
شوخ ملکىيەن آبى دارى نئجمدير؟
قان اىچمكىدە يوخ نفصالى ذرمەجە
پشمان مى، سوئيله بارى نئجمدير؟
بىرجه دفعە اوپ دئەمدى عمرۇندە
آشته حال يار قرارى نئجمدير؟
يار غمىنندە يعقوب اولدى نظامى
عصرىن يوسف شەپھىيارى نئجمدير؟

مندە هەنی صبر؟

دلبر نئجه بىلسن، سنه بنزرنىشانىم وار
قلبىم لېينە، صبحوم ايسە زلفونە اوخشار
قالخماقچىس اوزنگىيە دىيزىمە هانى طاقت
يوخ قوه جلوداندا توتام سئوگىلى دلبىر
هجران نقدر وارسا وفا لطفىنى توتما
هجراندا گىركىدىر اولا يار ياره وفادار
ھر بوسنە بىر جان وئردىم دىيمىسىھ آلما
چون ايستمىرم خىرىم اوچون سن اولاسان خوار
صبرا ئىلەدئىن دردىمە دۈز، گۈزلە نظامى
مندە هانى صبر ائتمىيە طاقت گۇر ئوزون يار

ای گول خندانیم منیم

ای گوئلر اوزلو سئوگیلیم سروی خرامانیم منیم
سن منیم اولماساندا بیل سنینله‌دیر جانیم منیم
اورک یارلا مشغول اولوب، جانیم یارا تسلیم اولوب
هرنه ائدرسن ائت گیلن ای گل خندانیم منیم
حتی قیلینچ انسه بئله ترک ایلم زلفونی بیل
بو یولدا گرک پارچالانا بند گربانیم منیم
یاندی دیلیم سو ایسترم، یار یانینا گلیر کؤنول
وئر دیریلیک چشممسینی، بال لبی جانانیم منیم
سن تاجی‌سان اخسیتانین، گل باش او جالسین ای نگار
گل نظامی دئسین: گلیر حاکیمی دورانیم منیم

جانیمی آلاردى عشون

آیریلیب گئدیپ نگاریم، او نا یوخدور هئچ برابر
ساقچى ذیل قارا گئجمیدى، او زو گون کیمی منور
گؤزلرى اورهك آچاندى، دوداغى حیاتە منبع
سوئزلرى لذت وئرزدى عاشقە مثال شکر
زلغونون كىندى ايلە قلبىمى چالىب آپاردى
غىلىرى شىرىن جانىمدا گۈر نىتجە سالىبىدى لنگر ؟
توتمايير داها قرارىم، يوخدور اوندان ئۆزگە يارىم
نه اپدىم، دء ايندى بوردا يامان اولموشام مکدر
گۈزلەيم، دء ھاردا سان سن، منى بىن نچون اونوتدون ؟
جانىمی آلاردى عشون گۈز ئوتوندەجه، آ دلبر
يادا سال يئنه بو ياري، سفر ائت بىزىم ديارە
نظرىن منى صباحچون ياشادىپ فرھلى ائيلى
منى ئولدۇرۇر بۇ هجران، بۇ كىر، بۇ غم، آ جانان
منى بىرده سن اونوتسان اولا رام دلى سراسر
بو يازىق نظامىنىن باخ، قلبىنى ياخىب فراقىن
آخى سىندىن ئۆزگە اولماز او نا بىر كەم ميسىر

قارا زلفون نسیمیله

گؤزمل سن والله ای جانان، منه خوشدور بئله دلبر
قارانلېقدا چراغيمسان منه خوشدور بئله گوھر
جهانى ياندیران خالين، دوداغين عود و شکر دور
عجب اود جانىما سالدى بئله عود و بئله شکر
دوزا هر نه قاتيلسا او دؤنوب شيرين شکر اولماز
سن ايشه دوزلوسان آمما شيرينسىن، اي ملك منظر
اگر ساقىم سن اولسان من ايکى دنيانى بيرىمده
تۈكۈپ پىمانمەيە در حال اىچىرىدىم، قىيل بونا باور
قارا زلفون نسیمیله عطرلىنىدى بوتون عالم
منه خوشدور يقين ائيلە بئله مشك و بئله عنبر
نظمى گىدى صدقىلە كى ائتسىن زلفونە خدمت
دئىدى زلفون: «منه خوشدور صداقتلى بئله نوڭر»

زلفونو بويونوما دولا

تانيشدير گۈزلىم سىليلە جانان
اونلارا ايشىخى سن وئردىن هرآن
ايلغارىن دوز اولسون، دوستومسان اگر
دولانىر اگرىليك اىچىنده دوران
گۈزلىم زلفونو بويونوما دولا
دوكونلر آچىلسىن منىم جانىمدان
بىر نئچە گونو سن نظامىلە اول
كى، صونرا بىزى چوخ ازەجك هجران

قانیمی تؤکموش نگاریم

کؤنلومی وئردیم غمه احوالینه سالدیم نظر
دویدورار یا غم منی یا بوسپوتون محوائیلمیر
مردلیگین شرطی بودور عشقیندە جان قربان اندە
مندە جاندان گنجمیش، جاندان گئچن قورخار مگر؟
قانیمی تؤکموش نگاریم، توریاغیندا یوخدور ایز
ای صنم قان تؤکگیندن ائیلمزسنی حذر؟
سوئیلمیر هرکس منه عاشقلیگە میل ائیلمە
ایش کنارдан باخانا هیچ شبهمسیز آسان گلر
عشق ایله صحت و یا امن و آمانلیق حاصلی
بونلاری ممکنی ائتسین من کیمی عاجز نفر؟
عالم آوارمیکدە آتماینجا بېر قدم
ای نظامی مقصدە چاتماق چتیندیر مختصر

سئویملی جانان

گۈزلىم آختارىر سنى ھە زمان
او سىدىن نور آلىرى سئویملى جانان
منى سئوپىرسن سە صاداقتلى اول
كى چوخ لىكبازدىر وفاسىز جەنەن
سنین او عطرلى چىن - چىن زلفوندە
دوگۇنلەر آچىلار، ال وپران زمان
گل بىر گون قاوش بو نظامىلە سن
كى او نو صونرا چوخ ازەجك هجران

بوسنه‌ی تاراج ائلمه

دئديم: آخر بو قدر بوسنه‌ی تاراج ائلمه
دئدي: لبلده توکنوز بو بؤیوک دولت دير
دئديم: آخر آلارام بوسه گؤزون ياتسا بيران
دئدي: گؤز ياتсадا قلبيم بيرآييق خلقت دير
دئديم: (اوند) بير ئوپوش وئربو نظامي يه عوزون
دئدي: بو آرزي چتىن باشە گلن نيت دير

گؤردم جمالین

رویادا من جنت شمعین جان ایچره رخشان تاپمیشا
اول شمعه یوز پروانمنی بیرآندا قوربان تاپمیشا
آختاردیم عطرين عنبرین، گؤردم جلالین سورین
حسنونده طالع مظہرین، خانمده مهمان تاپمیشا
مدتدی عشقی لب دیبیه، آختارمیشا یارب دیبیه
ظماتی شبدہ سئوگیبیه بیرآبی حیوان تاپمیشا
بویله ائشیدیم اول صنم، حسن وفانی قیلدي جم
گؤردم جمالین بیرجدم، بیلدیم کی عمان تاپمیشا
پورغون آدام یاتماق دیلر، تشنہ سویا چاتماق دیلر
آی چشممسی باتماق دیلر، حسنونده تابان تاپمیشا
سویله دیلسکی نیشکر، دائم اولور شیرین و تر
آلديقدا من بویله خبر سرو خرامان تاپمیشا
چیخسام بو شعر، مدن کنار طبع نظامی قان اولار
اولماز خزینه آشکار من گنجی پنهان تاپمیشا

گئچمیش قالسین گئچمیشلرده

منى درده دچار ائتدى زهره اوزلو گؤزل جانان
او جادوگىر، نزكىز كىمى گؤزلىرىندن چكىيم امان
چوخ آغلاتدى اونون عشقى، اولمادى بو درده ملحم
اوجا داغلار ذىرۇھسىنە چاتدى منىم آه و نالىم
چوخ درد، غصە وئردى منه ترس دولانان چرخ فلك
نازلى يارين حرارتلى سئوگىسيندن ياندى اورك
يوسف كىمى گۈزەل يارىم، خوش نظرلە باخسا بىرآن
قربان اولسون اونا منىم ايکى گۈزۈم، اوركە جان
وصالىنин يولوندا من قدم آتدىم، آه نقدر
آخدى قلبە گۈز ياشلارىم، وارلىغىمى بوغدو كدر
گئتىديم يارين كويىينه من بىر اميدله كى او ملک
ئوز حسنيلە بخش ائده جان، باد صبا نفسى تك
قبول ائديب التفاتلا قىشىمده او توردى شن
رياسىز، چوخ حكايىتلر دئدى منه محبت دن
گاه آولادى شيرين سۆزلە وارلىغىمى او عشوه كار
گاه لطفىلە:.. گئچمیش قالسین گئچمیشلرده، سۆيىلمىدى يار

گۈزلىرىنە آلدادىجى سرمە چىكىب او دلرىپا
ائتدىم اونون اياغىنىن توزلارىنى من توپىا
سوپا سالدى منى سانكى او قان ايچىن گۈزلىرىلە
سونرا آلدى اورەگىمى روح او خشايىان سۆزلىرىلە
تجىربىلى عاشقلىرىتك بىر آن ايچرىه چىكىنەدەن
ۋېرىدىم بوتون اختىارى او عشوهكار گۈزلە من
چوخدان بىرى سئوگىسىلە دوگۇنوركىن بازىق اورك
قارشىسىندا حرکت سىز اوتوردوم من بىكانە تك
نازا لا آچىب گۈسترنىدە منه حسن و جمالىنى
آرتدى سئوگىم، آرزولادىم او دلرىپىن وصالىنى
آغ گوموشى، صورتىنى، سىفاللاپاپىم حرمت ايلە
وصالىنىن شرابىنى نوش ائلدىم زحمت ايلە
دىئىم : «سەنин آستانمندە صداقتلى قول اولموشام
راضييام كى قولونوندا قولو اولوم سحر-آخشام
لبين حيات بولاغىندان پاي وئر منه اى جان آلان
بىزىزىرەدە بىر نظر سال، اى جەھانە فتنە سالان
اي جمالدا خوار ائىلەمین چىننىن مشهور گۈزەلەنلىنى
جىرىپ قبا ائتمە بىزىم قلىبىمىزىن كۈينەگىنى
سەنин عشقىن آلدى بىزىم عقلەمەزىيە زىن
روا دىكىل عاشقىنى ئۆز هجرىنلە اينجىيدەسەن

اگر اویغون دگىلدىسە عشقىن بىزىم طبىعىمىزە
بس نە اىچون عشقىن غمى دولدو يازىق قلبىمۇزە
نظمىنىن وارلىغىدا ئۆز عشقىنە قربان اولىسىدۇ
غم يوكوندىن سرو قدى بوكولمرك نالان اولىدو

رابعيلر

دئديم : آراميزدا اعتبار اولسون
نا بيزيم عشقيميز برقرار اولسون
دئدي : آرzon نديرو» دئديم : وصالين
دئدي : خوشآرزو دور، ديلين وار اولسون

سن گئتدىن، من قالدىم سنه انتظار
يودخور خيالىندان باشقا بير غمخوار
تورپاقدا چكىرم صورتىنى من
اونا اوز قوياراق آغلىرام زارزار

اي قدى سرو تك يوكسلن جاناڭ
كيرپىكىن اوخ آتا اوللايار مىن جان
زلفونو گۈرونجه قلبىم قان اولدو
ايستىدى ئىلمىسىن ئوزونو قربان

سئوگىلىم اليله گوللىرى يولسۇر

اڭلەمپىل بلورجام مى ايلە دولور
ياناغى كول كىمى قىزازىر او دم
ائىلە بېل اعضاسى بوتون كول اولور

دونن بىرخلوته نازلى يار گلدى
اونون گلىشى ايلە روحوم يوكسلدى
اوزونه تؤكموشدو قارا زلغونو
اوزو زلف ايچىنده داها گۈزلىدى

هاردا آختارىم سنى اى نىكار
كىمە ئۆز دردىمىي ائلمىيم ئاظهار؟
بىلىرم گۈرمىم بير داها سنى
نەائىدىم قانلى ياش تؤكمىيم، اى يار

دئيرلر: گئتمە يار دالىنجا زىنھار
ائلىن رىشخندىيە اولارسان دچار
فايداسىز نصىحت وئرمە آ ناصح
من ئوزوم گئتمىرم آپارىر نىكار

آبيت سئوگىلىمى، اى پىرورىدگار
گۈزللىك مىئى ايلە مست اولماسىن يار

يا مني ئوزومدن خيرسيز ساخلا
يا اونو حاليمدان ائيله خبردار

اي صبا درديمى گيزلى دئ يارا
دئكى چوخ وورموشدور قلبيمه يارا
آنچاق ائله دئمه اينجييە مندن
بئله، اصوللونجا چاتدير دلدара

حسابسيز ايش گۈردىك گئچدى
زمانه اليىن داد ائتدىك گئچدى
نه هنر گۈستىرىدىك گۈرهن اولمادى
نقدىمiz نه وارسا ارىتدىك گئچدى

گون اوزلوم سسلمنىر نغمه عراقي
ياتما باخ دئرائىدير دئورىنده ساقى
سحره چوخ قالميش، فرصتى وئرمە
قوىما شراب قالسىن شىشىدە باقى

بىز سرخوش اولمادىق الدە قالدى جام
اوركىدە عشقىمiz قالدى ناتما م
دوستلار بىر باد ميلە سرخوش اولدولار

منیم تک ایچنلر اولمادی خوش کام

می کوپو اوستوندہ بیز قیلدیق نماز
خرابات توزویلا آلدیق دستماز
مکندر تاپیلسین بو میکده ده
صومعده ایتن یار دلنواز؟

درد اولار آیریلسام خدمتیندن یار
هجران عذابینا اولارام دچار
ظن ائتمه پوزارام وئردیگیم وعدی
ئولرم وعدینی پوزسام ای نگار

بئلهکی حالیمیز گئچیر چوخ یامان
حسنوندن اوذاقدا قالمیشام جاناں
کیقباد، خسرووا چاتمایان وصلییں
گئچیر بوش سودا تک دلی باشیدمان

عدالت اساس دیر هر بیر ظفوه
اسارت سب دیر فتنمیه شره
سخاوت هر عیبی با سدیرا بیلر
طالع کمک اولار صاحب هنره

سوزلوك

آرخاین : مطمین

سن نظامی دن اگر آرخاین او لساندا کوئنول
گئچه گوندوز آرا بیب او لمادی راحت سنسیز !

آراماق : آختارماق

نه گؤزوموم وار آرا بیم من سنی بختیمده کی یوخ
نده بیر قاچماغا وار منده جسارت سنسیز !

آرتعاق : اضافه اولماق ، چو خالماق .

آیریلیغین ائیله‌دی گؤز یاشیمی شل کیمی
یوخ قان او لوپ گؤز یاشیم آرتما داد بیر اضطراب

اخسیتان : شیروان پادشاه‌لاریندان

شهر اهلی سنین عشقینده نظامی کیمی دیز
نه روا اخسیتان مونس دلدار او لسان !

اونوتعاق : پاددان چیخارماق

آرخالان زمان سنه شوگیلینی اونوتما گل
قویما کی آیری عنوانا چکسین او رخت و بارینی

اویغون : مطابق

اگر اویغون دگیلدیسه عشقین بیزیم طبیعیمیزه
بس نچون عشقین غمی دولدو یازیق قلبیمیزه

ایز : نشان

قانیمی توکموش نگاریم ، تورپا غیندای خود را ایز
ای صنم قان توکنند ائیلمز سنی حذر؟

ایلغار : ۱- عهد و پیمان ۲- گارت و یغما

بولبول لر ائیلر هی فنان ، ناله ائدرلر دور مادان
دوغر و سو زومه گل اینان ، دوستلاردا دوز ایلغارهانی؟

باشقۇ : آبرى

غۇزەن نە يامان رونقى اسلامى يخېدىيىر
توت باشقۇ عمل اولما گۈزەل گل بئله گافىر!

پوسقو : كېيىن

يولوندا پوسقو قورمۇشلار آمان دىير قورخويىا دوشىمە
كىمان چىڭ مرد - مردانه سنه ياور اوڭار يىزدان!

خستە : ۱- مریض ، بىمار ، نوخوش ۲- يورغۇن

گىشتىدين شىجه بىس تاب ائلەسىن ھجرە نظامى
او خستە اىكىن سىن كىمە درمان اولا جاقسان

شە (لېھ) : موج ، دالغا

بوشكىن ئىمىسى عمر و موزون حىف اونو روزگار
جوشۇن لېھلارە آغىر عمانە يىتىردى!

ساقىين : حذر قىيل ، كىنار دور ، الجك .

مشغۇل اولما ذرە جە جنت - جەنەملە ساقىين
از جەنم باشىنى بىرده قلم رضوانە چىڭ!

سما : گوئی، آسمان

ائتدی غمین نگاریم ، عمروم بويی اذیت
چاتمیش سمایه آهیم بسدیر منه بو ذلت

سنه : ایل (سال)

قیرخ سنددیر عاشقم عالم آشکار بیلیم
گیزلیندہ کافر اولدوم ایندی بو سئودایه باخ!

سوسدی : سکوت ائتدی، دانیشمادی

هرنه سوروشدومسا من سوسدی دیلین، دینله‌دین
سولدی اميد گلشنیم اولمادی سدن جواب

سیغا : پئرلشه،

سیغا بیلمز بو گونول آرزوسو یوز دفتره ده
اونلاری بس نشجه بیر خیردا جا طوماره یازیم؟

سوردو م : سوروشدوم ، سوال ائتدیم

سوردو م کی گونول هاردادی آلدیم بو جوابی
هچ سورما تاپیلماز اونو آختارسادا انسان !

دینله‌دی : ائشیتدى

دینله‌دی هاردا گونول یارمیزین صحبتینى
ال آتیب جیردی همن پالتارینى خلعتینى

دیلر : آرزی ائدر

یورغون آدام یاتماق دیلر، تشنە سويا چوتماق دیلر
آی چشمھسی باتماق دیلر، حسنوندە تابان تاپیشام

طرار: اوغرو

بالدا ميلچك باندى ياخدى شىعده پرواھنى
كيسەنلى طرار آپاردى دردمند عيار اولار

عمان: دريا، دنيز

بۇ يله اشىتىدىم اول صنم، حسن و وقانى قىلدى جم
گۈردىم جمالىنى بىر جىددىم، بىلدىم كى عمان تاپمىشام!

كهلن: آت

خوشدور سنين يولوندا اي دوست اذىت، محنت
غم كهلنى چاپىر تماق تاوار يولوندا فرصت!

كىرى: دالى، عقب

كىرى دؤسزگىچىن بىرگون ئىيىق اول دايما سىندە
روا اولماز كى مستلىرى تىكىچە غفلتىدە بو دۋاران

گوونىر: افتخار اىدىر

سنى بىر دفعە گۈرەنلىر گوونىر عشىمىز،
آه سنى گۈرمەمەيم اونلارا آسان گۈ رونور

گنج: چوخلومال - دولت ، ۲ - جوان

سن هلە باخ نوجوانسان من دىشىدىم چوخ يامان
سن گۈزەل لىشىن من ايسە گنجلىيگەن يوخ نشان

فغفور: تورگ - چىمن پادشاھلارىنىن لقبلىرى

اولموش گئچە ميدان سنه، جانان منم قربان سنه
تىڭلى اي هندىستان سنه، مغفور توركستانىمىز

قالدیرماق : قوزاماق ، او جالتماق

لطف اشتباهه بیزمان قالدیری بسان سمالره
صونزاد انصاف ائیله من الیندن ائیله رها

قفسه‌ی عده: مقابله‌ی عده، قارشیدا

قبول ائدب التفاثلا قنشریمده او توردى شىن
ریاسىز چوخ حکایتلىرى دئى منه محبىتىن

پاریشماق: مسابقه و شرمک

یاریشماق ایسته سن آنجاق، قیزیل گول له یاریش چونکی
یومولدی نرگیزین چشمی گو ره بیلمز بو رفتاری

یا: ۱-فصل آدی ۲-کمان

چکیده گیرپیگیندن اوخ اوایری یايدا ساخلاير
نه ايشدی کي ورولمايش يو قلبیم آه و زار اند پرس

ایچیندەکیلر

۹	حکیم نظامی گنجوی (مقدمه‌فارسی)
۱۸	حکیم نظامی گنجوی (آذربایجانی مقدمه)
۲۷	شادلیق با گیندا بیر سحر!
۲۸	سرخ رامان تا پیشام
۲۹	آند اولسون
۳۰	بوسه لبیندن
۳۱	رسم ستگری
۳۲	تورکستانیمیز
۳۳	چشم خماریم گلدى
۳۴	بو گنجه
۳۵	پیمانییه
۳۶	بلبرین ای نازلی نگار
۳۷	دلبر!
۳۸	بعله ساغر ایسترم
۳۹	سردار اولار
۴۰	بیر گوپوش ایستهدیم!
۴۱	ای گوزله گول اندام
۴۲	گوزله گلرم دعدهن نظامی
۴۳	بت شاهی حاضر دیر!
۴۵	پار تئزگل!
۴۶	شوخ جانانی!

ایچیندەکیلر

۴۷	بوگچه گلیب وفا قیل !
۴۸	ای سوییلی دلدار
۴۹	غم داغیلیدی
۵۰	آ نازلی دلبر
۵۱	پیشسیز پیشہ بوگدر نهلازمیم
۵۲	اوزده حیادیر !
۵۳	ای نازلی گوزهول
۵۴	عنبر سارا
۵۵	سلطان اعدیم
۵۶	گؤزلره چکسین نقاب
۵۷	جمالیندیر نگارستان
۵۸	رخسار پار ئونوننده
۵۹	چشم خمار
۶۰	سئوگیلی جانان
۶۱	پای آپارار ملکلرە
۶۲	زنار اولاچاق بىرگون
۶۳	بىر چوخ نگارىن عشقىنە
۶۴	خلوتە مايل اوilar !
۶۵	سوپىلدى : خوش قال ئظامى
۶۶	نازلى سلطانە .
۶۷	قانا غرق اولدى حسرتلە
۶۸	ات بوپالانچى طاعتى
۶۹	گؤزلرى شەلابە باخ !
۷۱	ترسا قىزى !
۷۲	منى دلدار ساخلارسان

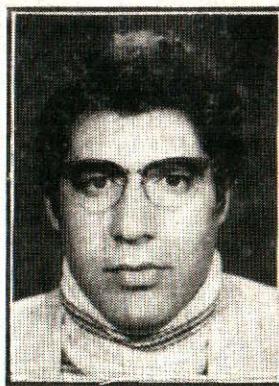
۷۳	حیات آدلی سولار چاغلار
۷۴	هر باخیشین قان ایچر !
۷۵	گۆزلرین بادلارى گۇردوكده گولور
۷۶	مر سحر آليشدیر بير خيالىم
۷۷	جانان ئلسن گل ايندى !
۷۸	انصافلا دېندىر سوگىلىم
۷۹	من كافر عشق اولدوم !
۸۰	نازلى نگار !
۸۱	گۆزومە صورت جانان گۇرونور
۸۲	كىزلى غم ، بلانى
۸۳	گۆزلرین باخدى منه !
۸۴	خوش گىچىر
۸۵	قتلئىنە فرمان يازاجاقسان ؟
۸۶	غرق ائھىر سنى ئوز قانىنا
۸۷	بو دىشمەنلىك ندن دوغدو ؟
۸۸	زلفوندىن شوبب يالوارارام ؟
۸۹	اسدى بىر باد خزان
۹۰	آغىر عمانە پىشتىرىدى
۹۱	سوسن قالدى سۆزۈندىن
۹۲	گۆزەل بىر موسىقى دېنلە !
۹۳	نظامى سنى گۆزلر گل - گل
۹۴	گۆزەل گونلر
۹۵	بو عقربىدىن ، بو طاسدان !
۹۶	كۆنوللەرە عطىر ساچان
۹۷	آل قانىما غلطان اىدەسن ؟

ایچیندەکیلر

۹۸	سنسن بیزه معبد
۹۹	عرشی تیترت !
۱۰۰	شوره گلر جمله گؤزه لر !
۱۰۱	با غلادیم بئل خدمتیندە
۱۰۲	قاشى کمان !
۱۰۳	عشرت اشتمک صحهدک
۱۰۴	اولار بىنە سنه قىصىر
۱۰۵	دلبرىن زلفى كىمى
۱۰۶	سولاتسىن گىچە گلن بولار
۱۰۷	ياقوت بىدخشانە
۱۰۸	بىر مخفى كافر !
۱۱۰	اي سلمانلار
۱۱۱	خرقەمېزدە كەنەللىپ
۱۱۲	منتظرم عنایتە
۱۱۳	دوداغىندان بىر ئوپوش
۱۱۴	آل سندە پىمانە
۱۱۵	طالب سجادە وزنار دكىلسىن !
۱۱۶	گؤزه لىن نكارىم
۱۱۷	نوازش اغىلەين
۱۱۸	خوش اولار
۱۱۹	سندە اوخشاما ز گؤزه لر !
۱۲۰	دلخۇم اي دوست !
۱۲۱	لالەزارى نىشىمدىرى ؟
۱۲۲	مندە هانى صبر ؟
۱۲۳	اي گول خىدانىم منىم

ایچیندەکیلر

۱۲۴	جانیمی آلاردى عشون !
۱۲۵	قارا زلفون نسیمیله
۱۲۶	زلفونو بوبنوما دولا !
۱۲۷	جانیمی تؤکوش نگاریم
۱۲۸	سعویملی جانان
۱۲۹	بوسمنى تاراج اعلمە
۱۳۰	گوردوم جمالىن
۱۳۱	گىچمىش قالسىن گىچمىشىلدە !
۱۳۵	رباعىلر
۱۴۱	سوئزلىك



تبریز

اولدوز

دوغوم ايل: ۱۳۳۱

آدى حسين شهرتى فيض اللهى وحيد ديركى شعرده، «اولدوز» تخلص ائدير او
۱۳۳۱-اینجى ايلده بير هنرمند خانوادهه تبریز آبادان اولدو،
اونون آناسی (عاشق علی) تبریزین ثونملى و گۆركىلى هنرمندلرىinden دير.
اولدوز، ورتا تحصيلا تينى بيتيردىكە (دانشکده، افسرى) يەڭىپ، آنا دىلىس
قوروماق مقصدى ايله تشکيل وئرىدىگى (اولدوز) آدلى فرقىنин، ركى دوم و ساواك
طرفيinden كشف اولماسى اوجون، او و دىگر دوستلارى ئظاھى مەممەدە محاكمە،
اون ايل حبسە معروض قالمىشدى.

بىر مدت مرندىن رازى خسته خاناسينا و دكتىر بېشتى درمانگاهينا و
اونلارا تابع اولان درمانگاهلارا رئيس اولدو.

اولدوز، اسلامى انقلابدان صونرا (كوراوغلو) و (دەددە قورقۇد) مجلەلرىن
بۇرا خىردى، او، ايندېدەك: نىسي نين سەچىلمىش اثرى، آذربايجان گولوشو
(طنز آذربايجان)، باياتىلار، يار بىزە قوناق گلەجك، آدلى كتابلارين نشر
ائتىشىدىر.

اولدوز ايندى ايکى اثر چاپا حاضيرلايىپ كى:

۱- فرستادغان خورشىد

۲- هجر بانوديركى هر ايکى اثر سانريو دير، و بونلارдан باشقا سىكىز اىرده
چاپ ائتمەگە مادە اولونوب.



موسسه انتشارات ياران

تبریز خیابان امين تلفن ۶۲۹۲۵

٧٥ تومان